

قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

هادی یزاد

صدایی از درون ایران باید

بیطرفی" درحاشیهی قوانینی که بر منع فروش سلاح به کشورهای در حال جنگ وضع کرده است ونیز بی اغراق کشورهای که بیش از یک کارخانه تولیدی روت وپا فشنگ و تفنگ در اختیار رندا رند، بسهم خود مسطوره ای برای جذب دلارهای عراق و رژیم "نه شرقی ونه غربی" آیت الله، روانه ی تهران وبغداد کرده اند؛ با یک تفاهوت که بعضی "در مقام دوستی" یکی از طرفین در جنگ وپاره ای در آن واحد دو طرف را دوشیده اند و خلاصه گاه بمباشرت مستقیم و گاه در زیر نگاه "خوابش" دولت هائی که پیوسته بردوا مابین جنگ "برکشتار و بیحاصل" غریبه و رژیم آیت الله را کانون تروریسم و عامل "ناآرامیهای منطقه ای حساس وحیاتی" خاورمیانه "خوانده و محکوم کرده اند. سوخت رسانی به کوروی جنگ یک لحظه نیز معطل نمائند است.

بقیه در صفحه ۲

لرزش عرش عظیم

سفیر جمهوری اسلامی در آلمان فدرال گفته است برای تخفیف بحران موجود بین ایران و آلمان دولت "بن" باید رسماً "معذرت خواهی کند. دولت آلمان در برابر چنین درخواست مضحکی البته تسلیم نخواهد شد و اگر بشود جای کمال تأسف خواهد بود ولی در هر حال، این مسأله ای است مربوط به خود آنها. صلاح مملکت خویش خسروان دانند.

بقیه در صفحه ۹

بی اعتنادهای به ارتش

یک خلبان ارتش ایران در گفتگویی با روزنامه "کیهان" (چاپ تهران)، از درگیری خود با چند هواپیمائی که به قصد بمباران شهری آمده بودند، سخن میگوید. در این گفتگو، ضمن شرحی از مصافی تا برابر، خلبان ایرانی می گوید بدان علت که سوخت هواپیمای او تمام شده بود، ناگزیر شد دست از ادامه مصاف بکشد و بر زمین بنشیند.

بقیه در صفحه ۹

پیام نوروزی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

بعمل می آوردیم، از اولین روزهای که تروریسم و گروگانگیری، بعنوان وسیله ای در روابط بین المللی تحمیل و معمول شد، با ارائه مدارک غیرقابل انکاری به دنیا گوش زد کردیم که تربیت و تجهیز تروریسم در سایه حکومت اله خمینی و در داخل مرزهای جمهوری اسلامی صورت می گیرد و بخصوص کشورها را از تن در دادن به خواست تروریست ها و باج خواهان، با ذکر عواقب شوم آن، بر حذر داشتیم.

بقیه در صفحه ۳

خواهران و برادران عزیزم، سالی که گذشت از نظرو قایع و حوادث غیر منتظره و تحولات سیاسی ناشی از آن، سالی برپا ریود. هر چند آرزوی قلبی ملت ایران که آزادی وطن و پایان فتنه، بلاخیز خمینی بود، عملی نگردید، ولی بلا تردید رژیم ضد ایرانی آخوندها به گسور خود نزدیک تر شد. همانطور که میدانید ما، گذشته از کوشش مداومی که از آغاز سلطه خمینی برای ایران، در زمینه معرفی ذاتا و وجودی حکومتش

شکار ریشوها در بیروت

بدنبال ورود نیروهای سوری به بیروت، روزنامه گاردین چاپ لندن در شماره روز شنبه ۷ مارس خود نوشت: علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی نیز به خیل انتقاد کنندگان از سیاست سوریه پیوست.

بقیه در صفحه ۴

از بهشت استالین

تابهشت خمینی

یک نویسنده، شوروی کتابی خوانندگی در باره روزگار استالین نوشته است. وی در این کتاب می گوید: میلان نظری سوسیالیسم در طی دهه ها جا معسه سوسیالیستی را "بهشت روی زمین" تلمذ می کردند، و چون تبلیغات استالینی و نمودمی کرد که سوسیالیسم در جا معسه شوروی صورت پذیر شده و تحقق یافته است نتیجه می گرفت که بس بهشت همین جا است که مردم شوروی در آن بسر می برند. ولی واقعیت زندگی در جا معسه آن روز شوروی همه چیز بود مگر بهشتی.

بقیه در صفحه ۱۱

ایران گیت

ادامه دارد

ما برای ایران گیت و مسائیل مربوط به آن در دو هفته گذشته همچنان در آمریکا و مطبوعات جهان مطرح بود. رونالد ریگان، رئیس جمهوری آمریکا، در یک نطق تلویزیونی که چهارشنبه شب ۴ مارس ایراد کرد، برای نخستین

بقیه در صفحه ۴

بمناسبت ۲۹ اسفند روز ملی شدن نفت چراغ مرده کجا
شمع آفتاب کجا در صفحه ۷

تفال نوروزی ما

روز بهران و شب فرقت یار آفرشد
آن همه ناز و تقسم که خزان میفرمود
سگر ایزد که با قبایل کله گوشه گل
صبح آید که بد متکلف پرده غیب
آن پریشانی شبهای دراز و غم دل
با ورم نیت ز بد عهدی ایام بشو
ساقیا لطف نمودی قدحت پریمی با
که بتدبیر تو تشویش خار آفرشد

در شمار ابرچه نیسا در و کس حافظ را
سگر کان محنت بخت و شمار آفرشد

زوم این فال و گذشت اختر و کار آفرشد
عاقبت در قدم باد بچار آفرشد
نخوت بادوی و شوکت خار آفرشد
گوبرون آئی که کار شب تار آفرشد
همه در سایه گیوی نگار آفرشد
قصه غصه که در دولت یار آفرشد
که بتدبیر تو تشویش خار آفرشد

بقیه از صفحه ۱

اما این همه نه شگفت آور است و نه چندان خارق العاده، بعکس از مواردی است که می توان گفت: اگر جز این بودی عجب نمودی.

مگر طبیعت دلالی و سوداگری جز این است؟ تولیدکننده برای آب کردن متاع خود به هر دری میگوید، با هر دستی که پیش آید، خواه دست شیطان و خواه دست فرستاده خدا، بیعت می کند و به هر شگردی که لازم می آید با زار است تن میدهد و با کش نیست اگر در پی هردا دوستی، صدها هزار آدمیزاد تکه تکه و ذغال شوند، ملتی به عزا بنشینند، کشوری سرتا سر به برهوتی مبدل شود که آن چه با حساب او نمی خواند، حکایت "اخلاق" است. در منطق او "بودن یا نبودن" تنها در مدار سودآوری مصداق پیدا میکنند اگر "سود" متوقف شود، حیات متوقف شده است.

کارخانه ها با یکدیگر دند و قوی، ضعیف را ببلعد، این روی دست آن و آن روی دست این بلند شود و یکی لقمه ای دیگری را بقا بدو عرصه را تصرف کند و در این ماجرا گاه تب دستیا بی به صنم طلا به درجه ای میرسد که تصویر آینه ده نیز محو میشود و هیچ از گوشه خیالشان هم نمی گذرد که با دست خود دشمنی را با دمیکنند.

قریب نیم قرن پیش، وقتی را بشتاک به آتش مسخ شدگان نازی فرومی ریخت و زمین زیر پای جانوران بیچاره سیاه هیتر می لرزید، چه بسا از سیاست بازان غرب در خواب بودند و چه بسا از شان بیکدیگر شادمانی می گفتند که در وجود یک دیوانه زنجیر گسسته، باطل السحر بلیشویسم را جسته اند، غافل که به ده سال هم نخواهد کشید که غول از شیشه ها خواهد شد و اولین تحفه مرگ را برای خود آنها بسته بندی خواهد کرد.

تاریخ تکرار میشود ولی گویا کمکی به بیداری نمی کند. میادانی که چهل سال واندی است با بشتاکا رو سواس، تیهکاران نازی را رد میگیرند و با میا نند (و حق هم دارند)، بی معنا نبود اگر در عین حال چشمها را باز میکردند و میدیدند در دست بهمان سیاق که خالق اردوگا ههای مرگ و کوره های آدم سوز در آشویتز و تریلینکا و داخائو و مای دانک پرورده شد، امروز در ایران مصیبت زده یک دیوانه خونی زیز پروبال میگیرد فقط به این دلیل که در کیسه دلار دارد و دهان سوداگران مسرگ را آب می اندازد.

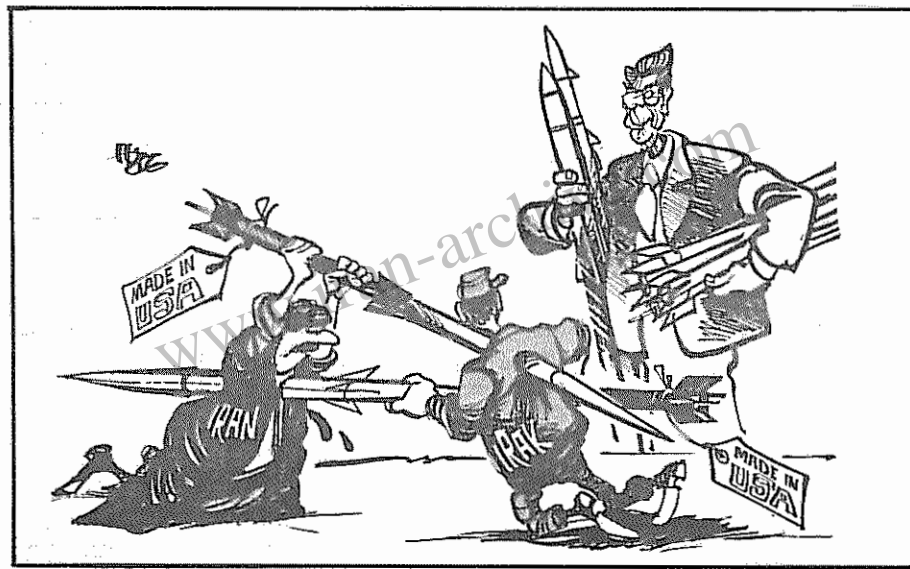
تحمیل کنی که از آن پس صاحب اختیار ارباب است، امروز تورا میخواد هود و سردا که زکا را فتادی ویی مصرف شدی دیگری را بخدمت میگیرد. امثال ما رکوس ها که در قله های آقائی عاریتی خود قا عده را گم کرده اند، بیبوهه می غرنومی نالند، که کارنا مهی خدمت در این سودا به پیشی نمی آرد. البته این اصل در جاسائی شکستنی است. آن جا که ملتی آگاهانه معادله ای آقائی و بندگی را بشکنند و مراقبت کنند که ما جای جا و چاه تکرار نشود و شرط "آگاه" در واقع ضمانت برهیز زدا میا و بنبرنگها است.

ملت ایران بنا بر حقیقی قیام کرد ولی این "شرط" بزرگ را فرو گذاشت و سرانجام

صدایی از درون ایران باید

کالی وارداتی نیست و هیچ دستی جز دست خودی چاره گر نخواهد بود دل سپردن به عنایت غیر، امید بستن به سرا باست. حوادث این روزها منطق این اعتقاد را کفایت می کند که متولیان حقوق بشر اگر نه همه، لاقال گروهی هیچ از آن روزه خوان دغل با زیگر کم نندارد. "حقوق بشر" در قلب آنان در فصل های خاص عود میکند و در فصل ها ئی چنان خاموشند که گوئی قرن ها است مرده اند. صدها انسان را بی محاکمه و حتی بی پرس و جو به رگبار مسلسل می بندند، آب از آب تکان نمی خورد و آن هنگامی است که بیداری و اعتنا با ب "بازار" نیست.

۲ - ایمان به این حقیقت که در وجود



یک پایش هنوز در چاه بود که پای دیگرش به جا رسیده بود.

آری مراقبت در این راه، ممنوعیت از مهلکه است. مولانا عبید در حکایت کوتاه خود چه هوشمندان این واقعیت را نقل میکند:

" درویشی گیوه در پانما زمی گذارد، دزدی طمع در گیوه ای او بست، گفت: با گیوه نما زنیاشد، درویش دریا فت و گفت اگر نما زنیاشد، گیوه با شد."

این دزد کمین نشسته را ملت ایران ندید و بود و نبود خود را به چنگ او انداخت. این مراقبت، اول قدم در سفر بیروزی است ولی تنها قدم نیست.

ملت ایران در کوره ی پرمصیبت زندگی، وجدان خود را صیقل زده است، بحکم تجربه ناکس را از کس تمیز میدهد و بیذیرفته است که به بزرگها و نقابها اعتماد دنیا ید کرد، آگاه شده است که بلیس آدمرو فراوان است، به چشم خود دیده است که روزه خوان هفت خطی که با یک افسانه ای کهنسال هزاران باراشک می باروداشک میگیرد، در شقاوت و سنگدلی تالی ندارد. اما این همه، همان قدم اول است.

نجات تکبیک "اعتماد" و بیک "ایمان" و سرانجام به "تکا پوئی" نیا زدارد که خواهد ناخواه به ایثار و فداکاری آمیخته است.

۱ - اعتقاد به این واقعیت که آزادی یک

اندر زور انما ئی میخواد نیمومی شنویم که "فلان" چرا بر نمی خیزد و با در کاب نمیکند - که تاء مل جا یز نیست - که وقت میسوزد - که ملت بی چو بان است - که چرا غذا رمی خواهد - که "ساعت موعود" میگذرد. سخن از نفسی " ضرورت رهبری " و "مقام ها دی" نیست که این حاجت ظاهرا تا از بشریت ناموشانی هست، برجای خواهد بود. سخن در باره "نگاه به دنیا" و احوالی است که از دنیا ی قبیله ها و روزگار سرداران کشورگشایان است فاصله گرفته است. روزگار ما با روزگار نادرشاه سمعیل و آغا محمدخان بیگانه است که عنصر توانائی از قبیله ای برمیخاست و اهل قبیله را بحکم تعلقات خاص خود، چشم بسته بدنبال میکشید و سروری می یافت.

بنظرمی رسد که در تاریخ های درسی، آنقدر برای ما تاریخ را در جود "سرداران" خلاصه کرده اند که گروهی از تحصیل کردگان ما نیز چه بسا در نهایت صدق و دلسوزی، وقتی به راه هجوئی می نشینند معیارهای زمان را گم می کنند، از یاد می برند که به آستانه ای هزاره ی سوم رسیده ایم و دراک ملی جانشین قوا عدقیله ای شده است.

بتکرار بگوئیم، ابراهیم سر طلب رهبر و رهبران نیست که این حاجتی بی گفتگو و بی چون و چرا است. حکایت از این است که در این روزگار ظهورها دیور رهبر به اصول میرائی و احکام قبیله ای وابسته نیست.

دردن آن تیغ زن جورا فشاری که در پشت نا در میفریدومی تا زید هرگز سئوالی از این قبیل نمی روئید که: " نادر ما بکجا میرد؟" چشم بسته و بنا بر حکم قبیله، سرنوشت خود را به سرنوشت او دوخته بود. مسئله ای نجات ملی، از مسئله قوا عدسربا زخا نه ها و اطاعت کورکورانه زما فوق نیز جداست در این روزگار رعنا صری به کنگره های هدایت ملی راه می یابند که در متن زندگی ملی نشو و نما کرده و با آزمایش های بی دریغی توانائی ها و در عین حال تطابق خود را با آرمان های ملی نشان داده اند. عصر ما عصری نیست که دیهیم را بالای شکم ما در بار داری بسا ویزند و در انتظار تولد "رهبر" روزشمار می کنند. عصر ما عصری است که رهبران با ید در کوره های سخت آزمایش قابلیت های خود را به مردم تزریق کنند و تصدیق ملی را بدست آورند و این امری نیست که به تصنع و دلخواه این و آن واگذار شود و خلاصه زمانه ای است که گرهی بدنندان نسا در قلی ها گشوده نخواهد شد.

درد بزرگ ملی در سالیهای پیش از طوفان مرگ این بود که مطالباتی داشتیم سا زگار با عوالم مروزه آزادی عدالت میخواستیم ولی از با زار این طلب یعنی " فرهنگ تشخیص " محروم بودیم. ناکسی چون خمینی ظاهر شد و طلب ملی را بسا شاعرهای دلپذیر ملی قا پید و آنچه نیا ید روی دهد، روی داد. در حال و هوای امروز که مردم به مقیاس بزرگی (متا سفا نه

ملت ها (و تفاهت نمی کند کوچک یا بزرگ) آن جوهر توانائی هست که معادله ای جبر را بر هم زدن و پیداست که جوش چنین ایمانی مستلزم غلبه بر تلقین هائی است که سارت را جانداخته است، کاری که بی تردید از توانائی موجوداتی که خود چرخ و دنده ای سارت را جور کرده اند، ساخته نیست. چرا که آنها زندگی را جسر در چهار دیوار بستگی نشاناخته اند.

۳ - سرانجام، نجات نیا زمندان تکا پوئی است که متا سفا نه در اوضاع و احوال کنونی، بی تحمل قربانسی و بی حضور در میدان ایثار و جان سازی میسر نیست. مقابله با دشمنی مطرح است که تا دندان مسلح است و در بیسی رحمی و سفاکی مرزی نمی شناسد و با کش نیست اگر برای دوام قدرت

(حتی به روزی هزاران آدمیزاد را یکجا به کام آتش و مرگ حواله دهد. بی پورده با ید گفت فهم این "نیا زها" منحصرأ به مردمانی دست میدهد که بر ارزش های ملی و حقوق ملت و ضرورت دمکراسی واقفند و " طمع " از عطاء ایجنبی بریده اند و طبعاً " دنیا را در چشم اندازهای روزی مشا هده میکنند. بر این حرف آخر، توضیحی لازم است.

این روزها گاه بنا مدلسوزی و گاه در قالب

بقیه از صفحه ۱

مستأف سفا نه دولت مردانی که بایستی مسئولیت خود را در برابر این پدیده توطئه‌سور و خطرناک بدرستی تشخیص می دادند، به علت عدم درک واقعیت و بی‌ملاحظیات انتخاباتی و غیره، بی‌محابا قدم در این راه بی‌انتها گذاشتند، اما دیری نگذشت که به قیمت پرداخت تاوان گزاف ضعف و سادگی خود، بروی واقعیت تلخ چشم گشودند و به روشنی دانستند با حکومتی که قدرتش را در داخل برپایه‌های اختناق و سرکوبی قرار داده است و در خارج از مرزها، از تروریسم و گروه‌های ننگیری بعنوان وسیله عادی پیشبرد اهدافی آسویگرانه و توسعه طلبانه استفاده می‌کند، به هیچ عنوان نمی‌توان کنار آمد.

نتیجه آنکه امروز حکومت ملایان، گذشته از گرفتاری مشکلات عظیم داخلی حاصل از جنگ و ناتوانی در مقابل بهای مسا شل اقتصاد و اجتماعی جامعه جنگ‌زده در صحنه بین‌المللی از همیشه منزوی تر و منفرودتر است به طوری که حتی سران دو سه کشور کم‌اعتباری که به اقتضای وقت و بختا طرفین خاص، دم‌زاتحاد دوستی با جمهوری اسلامی می‌زدند، برای حفظ موقعیت خود، یکی بعد از دیگری، از آن فاصله می‌گیرند.

به پیمانهای آقای خمینی و سران رژیم که به ضرب و زور را دیووتلوژیون به گوش و چشم شما تحمیل می‌کنند، کمی دقت کنید. آنچه پیش از هر چیز در این پیمانها می‌آید و به فراتر تکرار می‌شود، لاف ثبات و استحکام رژیم است. آیا یک رژیم ثابت و مستحکم محتاج این همه تاهکید

پیام نوروزی

دکتر شاپور بختیار به ملت ایران

مکرراست؟ تصور نمی‌کنم لازم باشد به شما، ملت هوشمند ایران، یادآوری کنم که منظور از این اصرار و ابرام، از یک طرف تقویت روحیه ایادی حکومت است که در برابر کوه مشکلات و مقاومت پایداری اکثریت مردم، با یه‌های قدرت خود را متزلزل می‌بینند، و از طرف دیگر مقصود، تضعیف روحیه شماست که از پیروزی قطع امیدکنید و دست از مقاومت و مبارزه بردارید.

هموطنان عزیزم، در این لحظات که سالی دیگر را همچنان در میان غرش توپها و باران و فضاگراب مداوم بمبارانها، شروع می‌کنید، خود را بیش از همیشه به شما نزدیک احساس می‌کنم. آتی از یادها و رنجها و دردهای پتان و چاره‌جویی برای رفع آنها، غافل نیستم. می‌خواهم به شما توصیه کنم که سال را با اراده، راسخ مبارزه با جنگ آغاز کنید و بیاد داشته باشید که جنگ، شیشه عمر رژیم است. مبارزه با جنگ مبارزه با حکومت جهنمی آخوندهاست. آقای خمینی و اعوان و انصارش در طول این سالها که مدها هزار جوان و نوجوان ایرانی در سرزمین نیگا ته به خاک و خون غلتیده اند و شهرهای آباد ما به ویرانه‌هایی تبدیل شده است، بارها گفته اند و تکرار کرده اند که جنگ، نعمت و برکت است. من از نعمت سوء استفاده‌هایی که دست‌اندرکاران

فاسد رژیم در مملکت‌های قاچاق اسلحه کرده اند و سرا آنها به مرور فاش میشود می‌گذرم، چون نعمت اساسی جای دیگری است: نعمت عمده، بقای رژیم است که از برکت جنگ بوده است. نعمت برای آنهاست که از برکت جنگ حکومتشان دوام گرفته است، نعمت حکمرانی برای آنها و آتش و خون و عزای عزیزان و قحطی و بیکاری برای شماست. به قوت اراده و تصمیم، نعمت و برکت جنگ را از آنها بگیریم تا چراغ وجود منوشتان خاموش شود.

بخصوص از شما می‌خواهم که نگذارید آخوندهای حاکم سلطه امیدواران به آینده روشن را از شما بگیرند و عزم شما را در مبارزه سست کنند. آنها در برابر اراده شما چیزی نیستند. بهترین شاهزادگانی رژیم در مقابل بهای خواست ملت، با برجائی سنت باستانی نوروز است. به حافظه خود رجوع کنید و بیاد دارید که در آن جنگ هم نبود ملایان حاکم تمام کوشش خود را مصروف تخفیف و تحقیر عید نوروز و با زدا شدن شما از بزرگداشت این سنت ملی می‌کردند، آن را جشن کافران و جنبیان و آتش پرستان می‌خواندند. ولی در مقابل اراده و عزم استوار شما به حفظ آداب و سنت‌های ملی، با مذلت عقب نشستند. تا آنجا که امروز خمینی و سران حکومتش، خودشان، بمناسبت نوروز - هر چند بدون ذکر نام نوروز به عنوان آغاز

چندمین بها را انقلاب - به شما پیام می‌فرستند.

من به شما اطمینان می‌دهم، که عمر نکبت با جمهوری اسلامی روبه‌پایان است. دل قوی دارید و به فرزندان خود یادآوری کنید که ملت ایران در طول تاریخ شوقان‌های حوادث بسیاری را از سر گذرانده و هر بار چون نوروز تا بنده، از اعماق شب‌سایه و سرد زمستانی سر بر آورده است.

ما را در این مبارزه که به مراحل نهایی نزدیک میشود بیاد دهید و بیاد داشته باشید که ما، در عین اینکه میدانیم اما دگی امروزی محیط بین‌المللی در موفقیت‌مان مؤثر خواهد بود، چشم امید برای نجات کشورمان به دست‌های سخاوتمند خارجی ندوخته ایم و هیچگاه، نه آن موقع که خمینی، آمدوشد دلالت قاچاق اسلحه را به حساب قدر و اعتبار و قوت و قدرت رژیم می‌گذاشت و بسیاری به این ملاحظه خود را سخت باخته بودند، و نه امروز که دنیا به بروی واقعیت چشم با زکرده و یک بسیج عمومی جهانی برای مقاومت در برابر بردولت‌های تروریست پرور در شرف انجام است، هیچگاه در مبارزه با این رژیم فدا بیانی تردیدی به خود راه نداده ایم و تا حصول نتیجه، یعنی آزادی ایران، التیام زخمها و ضایعات حکومت آخوندی و برقراری رژیم انسانی بر اساس حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی، لحظه‌ای از پای نخواهیم نشست.

نوروزمان پیروز باد.

ایران هرگز نخواهد همدرد.

نوروز ۱۳۶۶

صدایی از درون ایران باید

بقیه از صفحه ۲

به بهائی‌سنگین (به آگاهی‌های بسیار دست یافته اند، حکم سرنوشته منحصرا در صحنه‌های درون مرزی رقم خواهد خورد که البته این به معنای نفی تلاش‌های بیرون مرزی نیست بلکه تنها به مفهوم ضرورت سنگین و سنگین تر ساختن وزن مبارزات ملی در میدان اصلی یعنی ایران است. در این شرایط آن عنصر رهبری که نگاه را از عنایت اجنبی کننده و بر ارزش‌ها و توانا ثیهای ملت نشانداده است، میدانند که حلال مشکل، "بسیج آگاهان" است. میدانند که عامل کار سازنده ایران است، میدانند که اگر ملت با یک سازماندهی هوشیارانه ظرفیت‌های خود را تشخیص دهد و علنا در میدان ظاهر شود همان اجنبی‌بند با زحما بگرسود جو مقنا و مست ملی را تا بنخواهد آورد و این واقعیتی است که در همین سالهای جاری، این جا و آنجا با رها و بارها تجربه شده است.

اگر فرصت طلبانی ناشیانه در جنگ‌های وحوش اسلامی به جستجوی "اعتدال" برآید، افتادها به شدت آنها آن زمان که با ملتی قانم و نیرومند خط خود را تغییر خواهد داد. ملت ایران امروز تمام شرائط

بسیج و تجمع را با خود دارد و در برابر این معرکه‌ی جنایت و خون و آشوب با بغض و نفرت ایستاده است. آنچه لازم است " سازمان هدایتی " است که این بغض و نفرت را به راه‌دهد و حرکت مبدل میکند و این امری نیست که از عهدی نا درها برآید تا قبیلدهای را چشم بسته بدنبال کشند و چون به حادثه‌ای کنار روند، جوش‌ها دوباره سرد شوند. حکایت، حکایت، "یک ملت" است که در زیر پتک حوادث هر چه زدند داده، وجدان و قدرت تمیز خود را با زیا فته است. رهبری آرموده و مروزی میدانند که کارهای بداند و گونه‌ساز و راست که در فاش مبارزه در صفوف ملت برآفته‌ها ندانند اینکه وقتی یکی فرود افتاد دهمه چیز فرو افتد. فلسفه‌ی نبرد سازمان یافته را در این نکته باید دید.

با این حساب، بخلاف آنچه بعضی تبلیغ کرده اند، فصل انتقال همه فرصت‌ها و امکانات به سازمان دهی درون مرزی همین حالا است. و البته از این پس دیر خواهد شد اگر تا خبری روی دهد و چرا حالا؟ سالهای از این ۸ سال سیاه، دشمن

بفریب و دروغ، بسی از مردم را در دام خود حبس کرده بود. هنوز هم بیاد از قلیتی گفت که با همه تیره بختی‌ها طلسم شده باقی مانده اند و بهر حال زمان، اثر خود را گذاشته و پدیده‌های نیرنگ را یکی پس از دیگری دریده است. امروز اکثریت قاطع ملت (و فریب‌دها اتفاق) جوهر سرنا با کاین رژیم را شناخته است. حالا است که احساس میکند که اگر نجنبید، پاک باخته است و حالا است که این احساس با بد به تصمیم و قدرت بدل شود و حالا است که دیگر تاه خیر و نیست، بی‌بیزیم که اگر مدائ از درون ایران بگوش رسد، توطئه‌ها در هم خواهد شکست و قبول کنیم که هیچ تظا هر حرکتی جایگزین تظا هر حرکتی نیست که در قلب میدان می‌جوشد و از تسلیم‌ناپذیری روایت میکند. در این باره هنوزنا گفته‌ها بسیار است.



هم‌میهنان عزیز
هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.
۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ یاریس

تهدید تروریستی

سا زمان تروریستی عدالت انقلابی لبنان، شبیه شب، چها ردمها رس اعلام کرد که "ژان لویی نورماندن"، گروه‌گانی فرانسوی را به محاکمه کشیده است و حکم عدا موی را چهل و هشت ساعت دیگر در خواهد کرد. بیش از آن، به جنبش دو زده‌ها رس، این سازمان اتما محبت کرده بود که اگر ظرف چهل و هشت ساعت ژان شیراک، نخست‌وزیر فرانسه، دربار به مفهوم سخنان فرانسوا میتران، رئیس جمهوری این کشور، مبتنی بر ادا مء تسلیم عراقی و خودداری از مقابله با تروریسم و دولت‌های تروریست پرور، توضیح ندهد، نورماندن، نوربیردا ز تلویزیون کانال دو فرانس را اعلام کرد انقلابی خواهد کرد. دولت فرانسه در پاسخ به تمام محبت سازمان یا د شده، ضمن تاهکید بر ادا مء سیاست فدرالیستی خود، سیاست قاطعیت و پشتکار را سا زمان عدالت انقلابی خواست ازگشتن "نورماندن" خود را ی کند و همزمان بسرتلاش‌های دیپلماتیک خود در تهران، دمشق و بیروت افزود. دوشنبه ۱۶م رس همزمان با بسته شدن آخرین صفحات قیام ایران، گزارش رسید که شیخ محمدحسین فضل‌الله، رهبر روحانی حزب الله لبنان سا زمان انقلابی را ازگشتن "نورماندن" بر حذر داشت و گفت بی‌گناها ننیاید تا وان اختلاف‌های میان دو کشور را ببرد از بند. در این میان، "ژان بیرشون مان"، وزیر پیشین آموزش و پرورش از حزب سوسیالیست فرانسه، گفت اگر اتفاقی برای "نورماندن" رخ دهد، رژیم تهران را با بد مسئول دانست و "میشل دبره"، نخست‌وزیر پیشین و نماینده مجلس ملی فرانسه اعلام کرد که اگر نورماندن به قتل رسد، فرانسه با بدی درنگ و ابطن را با رژیم تهران قطع کند.

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

شکار ریشوها در بیروت

بقیه از صفحه ۱

به نوشته گاردین با زکشت ارتش سوریه به بیروت و به ویژه کشتار حدائق ۲۳ تن از حزب اللهی‌های هوا دار رژیم تهران، سبب تنش تازه‌ای در روابط تقریباً تیره دو کشور شده است.

خامنه‌ای در سخنرانی نماز جمعه روز ۶ مارس، مانند دیگر مقامات رژیم تهران کوشید تا حافظاً و سوره‌ها را از ما جرمی سازد. وی گفت ما اعتقاد داریم که عمل چندسریا زسوری ربطی به دولت سوریه ندارد بلکه یک تصمیم فردی است. اما نگرانی ما از آن است که این حوادث حیثیت سوریه را که همواره در خطوط مقدم جبهه در مقابل صهیونیست‌ها ایستاده است مخدوش کند و از اعتبار سیاسی سوریه بکاهد. از همین روستا تا عمان اسلامی از سوریه خواسته است تا عاملان کشتار را بد مجازات برساند. خامنه‌ای گفت: این حزب الله بود که «خیسرا» کاری ترین ضربه‌ها را به نیروهای صهیونیستی و استکباری وارد آورد.

وی با اشاره به این که گویا سوریه در نظر داند نیروهای هوا دار جمهوری اسلامی را خلع سلاح کند و شاید تا آنجا پیش رود که منطقه را از وجود آنان پاکسازی کند.

بقیه از صفحه ۱

با پذیرفتن که تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی به منظور تاءمین آزادی گروگانها بوده است و این عمل را یک خیبط نامید. ریگان در نطق خود با ردیگرتا کیدورزید که در جریان انتقال وجوه دریافتی از جمهوری اسلامی به فدا انقلاب نیکا را گوشه نبوده است، اما به عنوان رئیس جمهور هم مسئولیت آن را بر عهده گرفت. رئیس جمهوری آمریکا تعهد کرد که برای رفع بحران اعتمادی که از سه ماه پیش، ریاست جمهوری وی را بشدت تهدید میکند، به یک سلسله اصلاحات و به رفت و روب در کاخ سفید دست بزند و تیم جدیدی به ریاست "هوارد بیگر" را در کاخ سفید به کارگماشته است. ریگان که به گزارش انتقال آذمیسیون کمیسیون "جان تاور" پاسخ میداد که هفت روز پیشتر انتشار یافته بود، به طرز غیر مستقیم پذیرفت که اشتباه از خود وی ناشی شده است، اما به رغم توصیه‌ها را یزنان خود از ملت آمریکا پسوزش نخواست.

"رونالد ریگان" در نطق خود تمسبیق کرد که نگرانی اش برای سرنوشت

گفت: "زمزمه خلع سلاح نیروهای مؤمن در بیروت غربی یا ناحیه جنوبی که این برادرها بیشتر در آنجا هستند، زمزمه خطرناکی است. اگر سلاح را از دست این جوانان مؤمن و مبارزان زلبنانی بگیرند، در مقابل اسرائیل چنانچه حمله کرد چه کسی دفاع خواهد کرد؟" روزنامه گاردین که بخش‌هایی از خطبه نماز جمعه خامنه‌ای را نقل کرده است، نوشت: باید دانست که همه نهادها در دوران خاکمیت اسلامی تا این حد محتاطانه سخن نگفته‌اند. روزنامه جمهوری اسلامی ارگان حزب جمهوری اسلامی، به سوریسه هشدار داد که بهتر است دوباره به ایمن واقعیت بیندیشد که چرا تا دیروز آمریکا و اسرائیل میخواستند سوریه نیروهای

خود را از لبنان بیرون کنند و امروز برای حضور نیروهای سوری در لبنان کشف میزنند.

علت آن است که آمریکا و اسرائیل میخواستند سوریه را از راه راست منحرف کنند و به اردوگاه ارتجاع بکشانند.

این روزنامه‌ها و نیز گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر آنند که باید احساسات جمهوری اسلامی را به سوریسه تفهیم کرد و معتقدند سکوت وزارت خارجه جمهوری اسلامی، در میان گروه‌های پیشرو و ضد صهیونیست منطقه دلسردی ایجاد کرده است.

در میان انتقادکنندگان از سوریسه، مهدوی کنی، نخست وزیر سابق جمهوری اسلامی که اکنون دبیرجا معروفا نیست مبارزات فریاد بلندتری دارد. وی با اشاره به گذشته شدن ۲۳ حزب اللهی گفت: این شهادت دردناک دل مسلمانان جهان را خون کرد. آیا حزب الله نبود که اسطوره قدرت غرب را درهم شکست و مائین جنگی پنتاگون را خرد کرد؟

از سوی دیگر عصر جمعه ۶ مارس، علی اکبر محتشمی وزیر کشور جمهوری اسلامی و سفیر پیشین رژیم تهران در سوریه، وارد دمشق شد و مورد استقبال محمد غنایش وزیر کشور سوریه و حجت الاسلام محمد حسن اختری سفیر فعلی جمهوری اسلامی در دمشق قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، محتشمی بدنبال دیدار سه روزه خود از دمشق اعلام کرد که در ملاقات روز یکشنبه خود با حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، درباره مسائل لبنان نوییژه وضعیت حزب الله مذاکره کرده است.

محتشمی گفت انگیزه سفرش به پایتخت سوریه جنگ در اردوگاه‌های فلسطین و زدوخوردهای شدید حزب رقیب در بیروت بود که به اجرای طرح‌های امنیتی سوریه و قتل گروهی از مبارزان حزب اللهی منجر

بقیه در صفحه ۵

ما جای ایران گیت را بر عهده دارد چند عضو سابق دولت ریگان را که به احتمال فراوان پوین دکستر والیورنورث هستند، تحت تعقیب قرار دهد. در ایمن میان، مورین ریگان، دختر پریزیدنت ریگان که ریاست کمیته اجرائی حزب جمهوریخواه را بر عهده دارد، ردی یک مباحثه مطبوعاتی در کاخ سفید اعلام کرد که در ایادار پوین دکستر و سرهنگ نورث چون نظای میانی هستند که به فرمانده کل قوا، یعنی رئیس جمهوری آمریکا، دروغ گفته‌اند باید محاکمه شوند.

اما به رغم اظهارات مورین ریگان، روزنامه واشنگتن پست نوشت که در ایادار پوین دکستر سال گذشته دوبار پریزیدنت ریگان را از اجرائی ارسال بولهای حاصل از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی برای شورشیان نیکا را گوشه آگاه ساخت. از سوی دیگر عدنان قاشقی میلیاردر سعودی، طی مباحثه‌ای با هفته‌نامه اشترن اظهار داشت که قرار بود بخشی از سود ناشی از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به حساب "میانرو" های رژیم

بقیه در صفحه ۱۱



پاک سازی بیروت از تصویب‌های خمینی: یک کارگر لبنانی، روی یکی از تما ویر خمینی را که آتش رگلوله بر آن دیده می‌شود، با رنگ می‌پوشاند.

ایران گیت ادامه دارد

خود درس میگیرد و کارها را سامان می‌بخشد. رونالد ریگان رئیس جمهوری آمریکا روز دوشنبه ۹ مارس از کمیسیون تحقیق مجلس سنای آمریکا خواست که با اعطای مصونیت حقوقی محدود به در ایادار پوین دکستر و سرهنگ والیورنورث اعضاء مستعفی و اجرائی شورای ملی امنیت آمریکا که تا ملاقات اصلی ما اجرائی فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی هستند، آنها را حاضر به ادای شهادت کنند تا نکات تاریک ما اجرائی ایران گیت روشن شود.

ریگان اضافه کرد چنانچه شواهدی خارج از چهار چوب شهادت پوین دکستر و نورث علیه آنان بدست آید تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

روزنامه نیویورک تایمز نیز نوشت که ممکن است "لارنس والش" دادستان مستقلى که ما موریت تحقیق پیرامون

گروگان‌های آمریکائی، نیروی بینا نشانی را سلب کرد و مانع از آن شد که اعمال نزدیکان و محارم خود را در کاخ سفید، از نزدیک کنترل کند. ریگان گفت در این مورد ویژه، سبک مدیریت اش که در گذشته کارآئی و کار سازی خود را نشان داده بود، مایه ناکامی وی شده است.

ریگان که رسانه‌های آمریکائی بارها به ضعف حافظه اش اشاره کرده‌اند، همچنین پذیرفت که به یاد ندارد آیا صدور نخستین محموله جنگ افزارا زسوی اسرائیل به جمهوری اسلامی را که در پایان سال ۱۹۸۵ انجام گرفت، قبل از این تاریخ تایید کرده است یا بعد از آن.

ریگان اظهار داشت کسی، به سن و سال من، پیدا است که مرتکب خیبط‌های متعدد شده است، اما چنین کسی از خیبط و خطاهای

بقیه از صفحه ۴

شکار ریشوها در بیروت

ورود نیروهای سوری به بیروت ابراز نگرانی کرده اند. علت نگرانی آنها عدم موفقیتشان در اجرای نقشه های مشکوکشان بوده است.

"سوریه نگران وحدت لبنان، عربیت آن و تمامیت ارضی این کشور است. وحدت ملی تنها راه حل مسائل لبنان است و این راه حل باید از سوی لبنان تعیین شود."

وی در جای دیگر از سخنرانی خود بار دیگر تائید کرده که سوریه پشتیبان تمام لبنان های هائمی است که به وحدت و عربیت لبنان پای بندند.

حافظ اسد همچنین گفت به هیچ عنوان بین منافع سوریه و این که لبنان نقش عربی و بین المللی خود را بازیافت و تافتی وجود ندارد.

در این حال به نوشته مطبوعات بین المللی و گزارش های حزب الهی های لبنان، سوریه فشار خود را بر بنیادگرایان اسلامی افزایش داده است.

هفته نامه "الاحد" یکی از نشریات حزب الله لبنان که انتشار آن از سوی نیروهای سوری ممنوع اعلام شد و لسی مخفیانه منتشر میشود در شماره روز جمعه ۶ مارس خود بشدت از سوریه انتقاد کرد و نوشت:

نیروهای سوری در مرحله مسلمان نشین غرب بیروت مردان ریشووزنانی را که حجاب اسلامی دارند و هر کسی را که نسخه ای از مجله "الاحد" همراه داشته باشد، دستگیر میکنند. "الاحد" اظهار

تعجب کرده که نیروهای سوری بجای برقراری نظم و امنیت در غرب بیروت چرا به از بین بردن نهادهای اسلامی پرداخته اند. سوریه علاوه بر مجله "الاحد"

انتشار مجله "الشراع" و یک نشریه دیگر حزب الهی را نیز ممنوع ساخته است.

از سوی دیگر به گزارش خبرگزاری فرانسه از روزیکشنبه ۸ مارس در بیروت غربی پاکسازی دیوارها از عکس های خمینی و دیگر رهبران حزب الله و شاعرهای آنها آغاز شد.

در این حال "امین جمیل" رئیس جمهوری لبنان طی تلگرام تبریکی که به مناسبت بیست و چهارمین سال بقدرت رسیدن حزب بعث سوریه برای حافظ اسد مبارکباد کرد از کمکهای سوریه ابراز رضایت و خرسندی کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، بنیادگرایان اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی از روزیکشنبه ۸ مارس، لحن خود را نسبت به سوریه خشن تر کردند و هشدار دادند که نیروهای سوری حق ورود به حومه شیعه نشین جنوب بیروت را ندارند.

آیت الله عمید زنجانی عضو هیئت همراه سفیر جدید جمهوری اسلامی در لبنان، نیز روزیکشنبه در نطقی که در شهر "صور" در مرز سوریه با اردن داشته شدن ۲۳ حزب الهی را تکرار کرد گفت: "ما بخوبی به نقشه های سوریه و امپریالیسم آگاه هستیم، اما نمی خواهیم زردارانتقا مجوسی وارد شویم."

صبر دعوت کرد و اظهار داشت جمهوری اسلامی تمامی روزنامه ها و همچنین رادیو خود را در اختیار حزب الله قرار می دهد.

رئیس جمهوری سوریه، روزیکشنبه ۸ مارس برای نخستین بار در باره ورود نیروهای سوریه به بیروت علنا اظهار نظر کرد. حافظ اسد اعلام کرده هدف از دخالت سوریه در بیروت بازگرداندن وضع عادی به لبنان است.

اسد که به مناسبت بیست و چهارمین سالگرد به قدرت رسیدن حزب بعث سوریه، در دانشگاه دمشق سخن می گفت، اظهار داشت: "دخالت سوریه در بیروت غربی پاسخ به مآثر موریته ملی، انسانی و برادرانه است که هدف آن برقراری امنیت و بازگرداندن زندگی عادی است."

حافظ اسد افزود: "ما در عین حال از این که پاره ای از شاخص درخا رج از لبنان از ازبسیاری نشانه ها چنین برمی آید که رژیم خمینی به ایران لبنان نمی خرد و همواره است که اگر قصد مقامت در برابر ارتش سوریه را دارند، منتظر کمک تهران نباشند."

این دلیلی روشن دارد. سوریه نه تنها مهمترین همیمان رژیم تهران است، بلکه، هر چند از روی مصلحت، یگانه همیمان است که به آن در جنگ علیه عراق کمک های بسیار رسانده است. و اکنون رژیم تهران، که ظاهرا "سیاست خارجی آن را با دید ملاحظاتی عقیدت تعیین کند، سبک سنگین کرده و سنجیده است که همدلی با حزب الله و یاری عملی به آن، به قیمت از دست دادن سوریه یا درگیر شدن با آن نمی ارزد."

از سوی دیگر حافظ اسد، به لحنی که جای هیچ سوء تفاهمی باقی نمی گذارد، به رژیم تهران فهمانده است که هیچ علاقه ای ندارد نفوذ خود را در لبنان با حلاصا تقسیم کند. البته برای نخستین بار نیست که حافظ اسد تعلق خود را به عربیت بروز می دهد، ولی تائید کیدا بر "وحدت، تمامیت و عربیت" لبنان فقط می تواند جمهوری اسلامی را نشان گرفته باشد.

برای اینکه هیچ نیروی جز رژیم اسلامی نیست که می خواهد وحدت، تمامیت و عربیت لبنان را به خطر اندازد. در صورتوجه است که حافظ اسد بر همه چیز لبنان تائید می کند جز برای سلامی بودن آن، حال آن که کارگزاران رژیم تهران جز برای سلامی کردن لبنان، آنچه زهمان نوعی که اکنون در ایران وجود دارد، اصراری ندارند.

لبنان، چنان که تقریبا "همه سیاستمداران آن می گویند، به سبک آراش سرسری نیا زدارد، از اینرو در آینده ای درخور پیش بینی خلع سلاح حزب الله با پدر همه جای آن عملی شود.

روزشنبه ۷ مارس همراه با هیئت متشکل از آیت الله احمد جنتی نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو مجلس خبرگان، علی غیوری نماینده خمینی و حجت الاسلام حسن ابراهیمی نماینده حسینعلی منتظری وارد بیروت شدند و سوی حزب الهی های لبنان مسوود استقبال قرار گرفت. یکی از رهبران مذهبی حزب الله لبنان که گویندگی مراسم استقبال را بر عهده داشت ورود این هیئت را تاریخی خواند و آن را به مراسم ورود خمینی به ایران تشبیه کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه حزب الله لبنان طی بیانیه ای که گویندگی مراسم استقبال را بر عهده داشت و در مسجد امام رضا واقع در حومه جنوبی بیروت بنیادگرایان لبنان را به تفنگ وریش نترسانیده و تصویرهای آیت الله خمینی آیا یک روی همسان سکه ای است که محدودیت برای ساکنان غرب بیروت روی دیگر آن است، جواب می دادند که نه، مردم به میل خود به این شیوه زندگی تن در داده اند. و این حال چندان در ندب گویند در حالی که می بینند با برچیده شدن زور حزب الهی، آن رفتار ناگهان صدوهشتاددرجه تغییر جهت داده است؟

البته اگر با زوی مسلح رژیم دمشق با زوی مسلح حزب الله را نمی شکست، این رها می تیسرنمی شد. جمهوری اسلامی البته هنوز چنان که باید به روی خود نمی آورد که به برادران ایمان نیش در لبنان چه دارد می گذرد. شاید از جمله بدین سبب باشد که درست همزمان با دگرگونیهای که در جهت ناتوان شدن حزب الله در پیش است، مناسبات خود را با لبنان به سطح سفیر ارتقاء داده است. حال آنکه معمولاً، در چنین مواردی، سطح مناسبات کاهش داده می شود.

هنوز ما مداران رژیم تهران می گویند که کشتار ۲۳ حزب الهی برنا مهای تدوین شده از سوی رژیم دمشق نبوده است و بدین ترتیب می خواهند از اهمیت قضیه بکا هند. درست است که دمشق از پیش برنا مریزی نکرده بود که ۲۳ حزب الهی را در غرب بیروت بکشد، ولی برنا مریزی کرده بود که هر مقامی را از سوی حزب الله به قدرت اسلحه در هم شکنند، و چنین نیز کرد. به رغم همه اعلام همدلیها و همدردیهای زبانی رژیم تهران با حزب الله لبنان،

تصویرهای آیت الله خمینی که به دیوارهای غرب بیروت نقش شد، زنان در حجاب رفتند. اکنون که دیوارهای غرب بیروت از آن نقش ها پاک می شود، زنان از حجاب در آمده اند. با زار ریش که رونقی داشت، دوباره کساد شده است. با زار تیغ ریش تراشی که از رونق افتاده بود، دوباره گرمی یافته است.

ساکنان غرب بیروت می گویند که در این چند سال که حزب الله مسلط بر محله بود، زندگی عادی نداشته اند. این فقط تفنگهای بردوش حزب الهی ها نبود که زندگی را بر مردم غرب بیروت تلخ کرده بود. و گرنه تفنگ بردوش سربازان سوری نیز هست. بلکه هدفی که تفنگها به سوی آن نشان می رفتند، باعث شده بود که زندگی از مسیر عادی خارج گردد.

حزب الله تفنگش را به سوی آزادیهای خصوصی مردم نیز نشانده رفته بود و به چه پیشوندی نباشد، چه بیا باشد و چه نیا باشد، بی آن تفنگها دستیا بی به این منظورها امکان پذیر نبود. و اکنون که این زور از لای سرمردم برداشته شده است، معلوم میشود که آن "اخلاق اسلامی" که تبلیغات رژیم تهران و آخوندهای شیعه لبنان اینهمه از آن سخن می گویند، برای اثبات خود تا چه اندازه به سرنیزه و تفنگ نیا زدارد.

از این حیث غرب بیروت با تهران و اصفا ن و تبریز یا شیراز و کرمانشاها هرجای دیگری در ایران هیچ تفاوتی نداشته است. اگر پیش از خلع سلاح حزب الهی ها به وسیله سوریه، از آنها می پرسیدی که

تفنگ وریش نترسانیده و تصویرهای آیت الله خمینی آیا یک روی همسان سکه ای است که محدودیت برای ساکنان غرب بیروت روی دیگر آن است، جواب می دادند که نه، مردم به میل خود به این شیوه زندگی تن در داده اند. و این حال چندان در ندب گویند در حالی که می بینند با برچیده شدن زور حزب الهی، آن رفتار ناگهان صدوهشتاددرجه تغییر جهت داده است؟

خمینی زدایی

تفنگ وریش نترسانیده و تصویرهای آیت الله خمینی آیا یک روی همسان سکه ای است که محدودیت برای ساکنان غرب بیروت روی دیگر آن است، جواب می دادند که نه، مردم به میل خود به این شیوه زندگی تن در داده اند. و این حال چندان در ندب گویند در حالی که می بینند با برچیده شدن زور حزب الهی، آن رفتار ناگهان صدوهشتاددرجه تغییر جهت داده است؟

البته اگر با زوی مسلح رژیم دمشق با زوی مسلح حزب الله را نمی شکست، این رها می تیسرنمی شد. جمهوری اسلامی البته هنوز چنان که باید به روی خود نمی آورد که به برادران ایمان نیش در لبنان چه دارد می گذرد. شاید از جمله بدین سبب باشد که درست همزمان با دگرگونیهای که در جهت ناتوان شدن حزب الله در پیش است، مناسبات خود را با لبنان به سطح سفیر ارتقاء داده است. حال آنکه معمولاً، در چنین مواردی، سطح مناسبات کاهش داده می شود.

هنوز ما مداران رژیم تهران می گویند که کشتار ۲۳ حزب الهی برنا مهای تدوین شده از سوی رژیم دمشق نبوده است و بدین ترتیب می خواهند از اهمیت قضیه بکا هند. درست است که دمشق از پیش برنا مریزی نکرده بود که ۲۳ حزب الهی را در غرب بیروت بکشد، ولی برنا مریزی کرده بود که هر مقامی را از سوی حزب الله به قدرت اسلحه در هم شکنند، و چنین نیز کرد. به رغم همه اعلام همدلیها و همدردیهای زبانی رژیم تهران با حزب الله لبنان،

تصویرهای آیت الله خمینی که به دیوارهای غرب بیروت نقش شد، زنان در حجاب رفتند. اکنون که دیوارهای غرب بیروت از آن نقش ها پاک می شود، زنان از حجاب در آمده اند. با زار ریش که رونقی داشت، دوباره کساد شده است. با زار تیغ ریش تراشی که از رونق افتاده بود، دوباره گرمی یافته است.

ساکنان غرب بیروت می گویند که در این چند سال که حزب الله مسلط بر محله بود، زندگی عادی نداشته اند. این فقط تفنگهای بردوش حزب الهی ها نبود که زندگی را بر مردم غرب بیروت تلخ کرده بود. و گرنه تفنگ بردوش سربازان سوری نیز هست. بلکه هدفی که تفنگها به سوی آن نشان می رفتند، باعث شده بود که زندگی از مسیر عادی خارج گردد.

حزب الله تفنگش را به سوی آزادیهای خصوصی مردم نیز نشانده رفته بود و به چه پیشوندی نباشد، چه بیا باشد و چه نیا باشد، بی آن تفنگها دستیا بی به این منظورها امکان پذیر نبود. و اکنون که این زور از لای سرمردم برداشته شده است، معلوم میشود که آن "اخلاق اسلامی" که تبلیغات رژیم تهران و آخوندهای شیعه لبنان اینهمه از آن سخن می گویند، برای اثبات خود تا چه اندازه به سرنیزه و تفنگ نیا زدارد.

از این حیث غرب بیروت با تهران و اصفا ن و تبریز یا شیراز و کرمانشاها هرجای دیگری در ایران هیچ تفاوتی نداشته است. اگر پیش از خلع سلاح حزب الهی ها به وسیله سوریه، از آنها می پرسیدی که

تفنگ وریش نترسانیده و تصویرهای آیت الله خمینی آیا یک روی همسان سکه ای است که محدودیت برای ساکنان غرب بیروت روی دیگر آن است، جواب می دادند که نه، مردم به میل خود به این شیوه زندگی تن در داده اند. و این حال چندان در ندب گویند در حالی که می بینند با برچیده شدن زور حزب الهی، آن رفتار ناگهان صدوهشتاددرجه تغییر جهت داده است؟

توماس کارلایل که زندگینامه کرامول را نوشت، گفت که با بیست قهرمان خود را از زیرکوهی از افتراها و آنها را بیرون کشد تا او را چنان که بود بنمایاند. زندگینامه نویسنده صدق، از این حیث، وظیفه ای دشوار ندارد. سوازی رژیم تهران که می‌گوشد مصدق را در سایه ابوالقاسم کاشانی قرار دهد، هیچ ایراد نیکی نیست که در او ذره‌ای احساس ملی‌گرائی باشد و بتواند از مصدق به‌بندی یاد کند. برای آیت‌الله خمینی، مصدق جز "مشتی استخوان" نبود. ولی کیست که نداند بدون مصدق و کارنامه درخشان سیاسی او، استخوان نیندی ناسیونا لیسم ایران کامل نخواهد بود. رژیم اسلامی با مصدق مخالفت است، ولی چون نمی‌تواند او را کوچک کند، ابوالقاسم کاشانی را بزرگ می‌کند. اما این بزرگنمایی به هیچ روی تاء شیرتیلیفاتی دلخواه را به بار نمی‌آورد. زیرا پیش از هر چیز، دو شخص با یدبا یکدیگر مقایسه پذیرد باشند تا بتوان یکی را بزرگتر از دیگری جلوه‌گر ساخت و او را در سایه آن دیگری قرار داد. ولی کاشانی کجا و مصدق کجا. به قول خواجۀ شیراز: چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا.

ناسیونا لیسم ایران شعاری عاطفی نیست که طبع زودجوش به شنیدن آن بجوشد و برآیند، ناسیونا لیسم ایران

چراغ مرده کجا شمع آفتاب کجا

بمناسبت ۲۹ اسفند روز ملی شدن نفت

نماد ناسیونا لیسی است که می‌تواند رژیم آخوندی را به چالش بخواهد. از اینرو مصدق برای ناسیونا لیسم تنها یک ذخیره گرانمای تا ریخی نیست، نما دمقا و دست در برابر حکومت آخوندی نیز هست. و درست همین سیمای مصدق است که رژیم آخوندی را هرگز آرام نمی‌گذارد.

ملاهای تهران می‌گوشند تا آنجا که ممکن است دیگر نانی از مصدق نبرند، ولسی خاطرۀ ناسیونا لیسم ایران از روزهای انقلاب مشروطه و ملی کردن صنعت نفت مدام به آنها نهیب می‌زند. ملاها به مصدقی که به تاریخ، و تنها به تاریخ، سپرده شود، نه تنها کاری ندارند، بلکه واهمه‌ای نیز از او به دل راه نمی‌دهند.

ولی مصدقی که آخوندی را به جای خود نشانده، مصدقی که هرگز نمی‌خواست کار دولت را با موردینی درآمیزد. این همان سیمائی است که یک محور عمده مقامت در برابر حکومت ملاهاست. همین است که اهمیت تاریخی مصدق را به یک جریان سیاسی روز بیونمی دهد و نام او را زنده نگا همیاد.

که در جریان انقلاب مشروطه، آخوندیسم با آن درآمیخت بلکه بتواند آن را به سوی "مشروع" منحرف گرداند.

حکومت که به دست ملاها افتاد، خواستند با نا مگذاری خیابانی به نام مصدق، این چهره بزرگ تاریخ معاصر ایران را در خود بکشند و هضم کنند. ولی خیلی زود دریا فتند که او برای رژیم آخوندی لقمه قابل هضمی نیست. مدعیان نیابت ولی عصر، "ولی عصر" را جانشین مصدق کردند.

برخی نیز گوشیدند تا ناسیونا لیسم ایران را به رژیم ملاها بفروشد و سودی بکنند. لیکن از این معامله جز زیان طـسرفی نیستند. ناسیونا لیسم ایران متاع قابل معالهای نبود و به معالگران درس دیگری آموخت.

برای خمینی حسادت برانگیز بود که در گرما گرم افسونزدگی توده‌ها می‌دید که یک میلیون تن از مردم تهران به مناسبت سالگرد درگذشت مصدق در احمدآباد گرد هم آمده‌اند. از زمان روز معلوم شد که حتی استخوان مصدق نیز

دارای محتوای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیار غنی است. سلسله‌جیبالی رنگارنگ است که اگر یک قله آن امیرکبیر باشد، قله دیگر آن مصدق است. نوسازی اقتصادی ایران همانگونه در دامنه این کوه بزرگ قرار می‌گیرد که تلاش برای استقرار دمکراسی و حاکمیت ملی.

و آنچه به همین اندازه در بار آورشدن ناسیونا لیسم ایران اهمیت دارد، جدائی دین از دولت است. امیرکبیر با بنیانگذاری دارالفنون نخستین گام تعیین کننده را برمی‌دارد، برای آن که آموزش و پرورش را از انحصار آخوندی‌بیرون آورد. وی همانگونه به ناسیونا لیسم ایران خدمت می‌کند که مصدق با ملی کردن صنعت نفت کمربند خدمت آن می‌بندد.

تصادفی نیست رژیمی که می‌خواهد مصدق را در سایه کاشانی قرار دهد و او را کوچک بنمایاند، همان رژیمی است که می‌خواهد به عمر دارالفنون پایان بخشد.

در جریان ملی کردن صنعت نفت، کاشانی خود را همانگونه به ریسمان مصدق بست



هدیه نوروزی:

از نوروز تا ماهه خپام

نیا مد. چون بهوش آمد پیش ملک آوردنش، از او برسیدند که آن چه بود که دی روز خوردی، و خویشتن را چون میدیدی، گفت نمی‌دانم که چه می‌خوردم، اما خوش بود. کاشکی امروز سه قده دیگرا از آن بیافتمی. نخستین قدرم بدخواستی (= دشواری) خوردم که تلخ مزه بود، چون در معده ام قرار گرفت طبعم آرزوی قده دیگرا کرد، چون دوم قده بخوردم نشاطی و طربی در دل من آمد که شرم از چشم من برفت، و چنان پیش من سبک آمد. بنیاد شتمیانی من و شاه هیچ فرقی نیست، و غم چنان بر دل من قرار موش گشت، و سوم قده بخوردم بخواب خوش درشدم. شاه وی را آزا در کردا زگناهی که کرده بود، بدین سبب هم‌ه‌ا نایان من گشتند که هیچ نعمتی بهتر و بزرگوارتر از شراب نیست، از بهر آنکه در هیچ طعمی و میوه‌ای این هنر و خاصیتی نیست که در شراب است، شاه شمیران را معلوم شد شراب خوردن، و بیزم‌نهایی آیین آورد، و بعد از آن هم ز شراب روده‌ها بسا ختنند (= آهنگ‌ها ساختند) و نواها زدند، و آن باغ که در آن و تخم‌نگسور بکشتند هنوز برجاست، آن را به هرات غوره می‌خوانند و بر در شهر است، و چنین گویند که نهال انگور از هرات به همه جهای پراکنده، و چندان انگور که به هرات یا شده هیچ شهری ولایتی نباشد، چنانکه زیادت از صد گونه انگور را نام بر سر زبانی بگویند، و فضیلت شراب بسیار است...

گفتار اندر خاصیت روی نیکو

روی نیکو را نایان سعادتی بزرگ دانسته‌اند، و دیدنش را به فال فرخ داشته‌اند، و چنین گفته‌اند که سعادت دیدار نیکو را حوال مردم همان تاء شیر کند که سعادت کواکب سعد بر آسمان، و مثال این چنانها ده‌اند چون مثل چاه که عطرا ندر صندوق بود که از وی بوی گیرد و بی عطرا ن بوی بمردم برساند، و چون مثال عکسی آفتاب که بر آفتاب فتد و بی آفتاب دیگر جای عکس برساند، زیرا که نیکویی صورت مردم به ریست از تاء شیر کواکب سعادت که به تقدیرا بزدتالی به مردم بیوندد، و نیکویی به همه زبانها ستوده‌است و به همه خرددها پسندیده، و اندر چنان چیزهای نیکو بسیار است که مردم از دیدارشان شاد گردد، و به طبع اندر تازگی آرد، ولیکن هیچ چیز بجای روی نیکو نیست، زیرا که گناه زروی نیکو شادی آید، چنانکه هیچ شادی به آن نرسد، و گفته‌اند روی نیکو دلیل نیکبختی این جهان است، و چون

چون او بیامد از سرخشم و عتاب گفت‌ها و نوا، خویشتن را می‌شناسی، هیچ‌دانی که من ترا از کجا برگرفته‌ام و به کجا رسا نیده، و از خواسته و نعمت چه‌داری، ترا زهره آن با شد که یک ساعت از پیش من غایب شوی؟ چون سلطان خموش گشت گفت: سلطان بغیرا بدشمنی‌اند، همچنانست که می‌فرماید، من ببنده را از خاک برگرفت و بر فلک رسا نید. من یک فروما به بودم اکنون به دولت رسا و ند پا نده‌ها ردینا رزیا دت دارمی خیامع و چنان بیا و بنده و آزاد، و ملک ببنده را آن مرتبت و حشمت داده‌است که در دولت خدا و دنیا به هیچ کس از سایه بنده بلندتر نیست و با این همه کرامت که با بنده کرده‌است و این نعمت که داده و بدین درجه رسا نیده هیچ سبب و منت بر بنده ننهد، بر دل خویشتن نهد، که بنده را از جهت دل خویشتن نیکو میدارد و بدو معنی، یکی از جهت آنکه دیدار بنده به فال گرفت، و دیگری که من بنده تمام شاکا هوباغ و بوستان دل ملک، اگر ملک تمام شاکا خویشتن را بیا رید منت بر کسی نیا بدینها د، هر چند من بنده بشکروم دعا مقابل می‌کنم، ملک را جواب آن پسر عجب خوش آمد، و او را بناوخت، و تشریف داد.

سخن بزرگان و اهل حقیقت در معنی روی نیکو بسیار است، این مقدار بدان یا در کرده شد تا بدانی که مرستت، این عطا و خلعت از دستتالی تا به جاکا هست، و بزرگان مروری نیکو را چه عزیز داشته‌اند، و این کتاب را از برای فال خوب بر روی نیکو ختم کرده‌اند.

شاد روان مینوی درباره این پسر زبیا روی در حواسی کتاب نوشته‌است:

" این غلامی که سلطان محمود به این طور تربیت کرده‌است هیچ کس نمی‌تواند بود مگر از او ایماق که بعدها در روزگار سلطان مسعود از سرداران معتبر شد و در سال ۴۹۹ هجری درگذشت."

* خویید: هر گویا تا زهروید، بوته جو یا گندم که هنوز خوشه نیسته‌است، آن را هم با حذف وا و در تلفظ (خید) و هم با اظهار آن (بروزن بعد) می‌خوانند.

** جاشنی کردن: مرسوم بوده‌است که وقتی می‌خواستند چیزی از نوشیدنی یا خوردنی را به پادشاه عرضه کنند، نخست کسی که خویشتن را فدایی شاه می‌دانسته قدری از آن می‌چشیده‌است تا اگر طعمی نپسندیدنی زهر آلود با شاد شاد آن در وی ظاهر شود و پادشاه آن را نخورد، این شخص را "جاشنی گیر" می‌گفته‌اند و جاشنی گیران از میان غلامان یا سرداران فدایی پادشاه برگزیده می‌شدند.

*** شیه به فتح اول دوم، سنگی است بسیار سیاه که در جزء گوهرها به حساب می‌آید اما از همه آن‌ها انسداد بها تر است. عوام مردم آن را شاق می‌نامند و هر چه چیز بسیار سیاه را بدان می‌نامند که گندم.

**** کچول کردن: کچول (بروزن قبول) یا کچول حرکت دادن و جنبانیدن سرین است به وقت رقصيدن و مسخرگی کردن و امروزه جای آن "قر دادن" گویند.

روی نیکو خوی نیکو را رشود آن نیکبختی بنا بیست رسیده باشد، و چون به ظاهرو باطن نیکو بود محبوب خدا و خلق گردد، و مریدان رتیکورا چنان خاصیت است. یکی آنکه روز خسته کند بر بنده، و دیگری آنکه عیش خوش گرداند، و سه دیگر آن که به جوان مردی و هورت راه دهد، و چهارم آنکه به مال و جاه هزیادت کند، زیرا که مردم چون به اول روز روی نیکو شادی یافت دلیل بهره‌ای بودا بهره‌های خستگی، که آن روز جز شادی نیستند، چون با وی نشست عیش بروی خوش گردد، و بی غم شود، و چون این حال بروی قرار گرفت، و دیدار نیکو یا فت، اگر چه بی مروت و سفله کسی بود، مروت و جوان تمسردی در وی بجنید، و چون درمان وی را با روی نیکو دیدند به تعظیم نگرند، و نیز از بهر عیش خوش به مال و ورزیدن کوشش بیش کند، و چنین گفته‌اند که روی نیکو بسیار جوان کند، و جوان را کودک، و کودک را بهشتی، و رسول علیها السلام گفته‌است حاجت خویشتن از نیکو روی بسیار بخوا هید...

حکایت گویند سلطان محمود روزی به تماشا شده بود، و از صحرای شهر می‌آمد، و در آن حال هنوز می‌ربود، و پدرش زنده بود، چون به در دروازه شهر رسید چشمش در میان نظر کرد، و برپرسی آفتا چرکین جا به بقدردان دوازده (= دوازده) ساله، اما سخت نیکو روی و طرفه و زیبا بود، تمام خلقت، معتدل قامت، عنان با زکشتیدو گفت این پسرک را پیش من آرید، چون بیا و درندگفت ای پسر تو چه کسی و پدر کیست، گفت پدر من را مویلیکسن ما درم به فلان محلست نشیند، گفت چه پیشه می‌آموزی، گفت قرآن حفظ می‌کنم، فرمود تا آن پسرک را به سر بردند، چون سلطان فرود آمد پسرک را پیش خواند، و از او هر چیزی پرسید، و چندان فرمود، سخت زیبرک و رسیده بود، و اقبالش بیاری داد، فرمود تا مادرش را بیا و درند، و گفت پسر ترا قبول کردم، من او را به پرورم، تو دل از کار او فارغ دار. مادرش را نیکوئیها فرمود و پسر را چاه‌های دیبا پوشانید، و پیش ادیب نشانده تا خط و دانش آموخت و سلاح و سوار ی، و پسر را گفت هر روز با مدام ده‌ده من هنوز با رندا ده‌دها شبها بیکه پیش من ایستاده‌ای، پسر هر با مدام دیگاه (= صبح زود) بخدمت آمدی، سلطان چون از جهره خاص بیرون آمدی نخست روی او دیدی، و مقصود سلطان آزمایش خستگی دیدار او بود، سخت خسته آمد، چون بیرون آمدی از جهره چشم بروی افکندی، هر مرادی داشتی آن روز حاصل شدی، و این پسر را از جاده نیکو داشت جمالش یکی مد شده سلطان هر روز او را بخویشتن نزدیک کرد، و شب استگی‌ها از وی بدید آمد، و سلطان او را نعمت و خواسته می‌داد و اعتما دربار و زیادت می‌کرد، و می‌نواخت، و نعمت و کجمل این پسر بسیار شد، و سلطان از عشق او چنان گشت که یک ساعت شکیبا نتوانست بود، این پسر را سالیش به هجده رسید، و جمالش یکی ده‌ده شد، و از مبارکی دیدار او سلطان را بسیار رکارها و فتح‌های بزرگ دست داد، و چندین ولایت هندوستان بگشاد، و شهرهای خراسان بگرفت و به سلطان بنیشت، مگر روزی این پسر به عذری دیرتر به خدمت آمد، و سلطان بی او نتگدل گشته بود.

گزارش های ایران

ضربه مهلك كربلاي ۴ و ۵ بر سپاه

از گروه خبری نهضت مقاومت ملی ایران

برای کشاندن مردم به جبهه های نبرد فزونتر شده است، قبلاً به اطلاع رسانند که بخشاهای به تمام کارگاههای کشور شده که با یک ۲۰ درصد زکا رگران خود را به جبهه بفرستند، این بخشها مه در هفته گذشته به ادا را تمهید نیز بلاغ شده و وحشت عمومی کارمندان را برانگیخته است. از ظرفی دولت به علت وضع بد مالی، فشارهای خود را بر واحدهای اقتصادی بمنظور تاء مین هزینه جنگ بیشتر کرده است. روزی نیست که به کارخانه های کشور بخشها مه تازه ای فرستاده نشود. از جمله در شهر صنعتی سا و این بخشها مه ما در شده است. بخشها مه ای تحت این مضمون که چون میخواهیم برای این منطقه پیدا فنسد بگذا ریم هر کارخانه به نسبت وسعت ارضی خود با پدتری ۵ ریال بدهد. بخشها مه ای به این مضمون که چون مردم با ید در مورجنگ پیشقدم شوند با ید تا آخر برج مبلغ ۱۵۰ هزار ریال به حساب مخصوص واریز کنند. بخشها مه ای به این مضمون که چون میخواهیم در این منطقه گشت داشته باشیم هر کارخانه با ید مبلغ ۶۰ هزار ریال بپردازد، فشار مالی روی اتحادیه های صغی بحمد مرگباری رسیده است و آنها تقریباً ما ها نه با ید چند میلیون صرف خرید جنس برای جبهه میکنند. فشارهای مالی را در کنار کساد و کمبود مواد اولیه و بی بولی مردم بگذا رید آتوقت ببینید کسبه که ستون اصلی برپا دارنده رژیم جمهوری اسلامی بودند چگونه دارند فرو میریزند. هم اکنون با زار تهران در شرف تعطیل است. چرا؟ میداند که با زاریک مرکز عمده فروشی است که بیشتر شهرستان ها نیا زها یشان را از آنجا تاء مین می کنند. بعلت تعطیل با زارهای مهم تبریز و اصفهان و شهرهای عمده دیگر اولاً فروش ندارند ثانیاً اجناسی که قبلاً فرستاده اند دنیا منهدم و معدوم شده یا مرجوع گردیده. مطالباتشان نیز بعلت فرا رسیده شهرهای مزبور مسکوت مانده و نمیتوان گفت ترکش بمباران شهرها به با زار تهران هم خورده است. اکنون خزانه داری کل برای پرداخت حقوقها، طبق اطلاع دقیق و مانده است و حرکت اقتصادی منکوت موقوف شده. در چنین شرایطی آقای رفسنجانی تلاشهایی برای تثبیت رهبری خود صورت میدهد. به اعتقاد ما صاحبه پر خبرنگار ایشان با دوهدف انجام گرفت: - الف) پایان عصر خمینی و آغاز عصر رفسنجانی - ب) تزکیه و تهذیب شیطان بزرگ که بله، آقای ریگان دین توحیدی دارد و آلی آخر... که قطعاً عوارض و آنا رایسن صاحبه را مطالعه فرموده اید. هر چند که امریکا به جا ذبه و کاربسمای رهبری در ایران آگاه نیست و رفسنجانی ممکن است بتواند یک حاکم قلد ریشودا ما یک رهبر، هرگز! چنانچه ۸ سال روی منتظری ۸ میلیار د تومان سرمایه گذاری کردند و نشد.

تهران - ۶۵/۱۱/۲۵



دا دند که سه نفرشان دستگیر شدند و یک نفر گریخت و بلافا صله هم دوکا میون حزب الهی به محل آوردند که شعرا معروفشان را بدهند. بشکه با روت تهران اخیراً با حدود یک میلیون آوار ه جنگی متورم تر شده است و در چنین شرایطی اگر موج مخالفتی برخیزد و مردم اندک پشتیبانی ببینند انفجار قطعی است. تحقیق کردم در تمام نقاط بمب خورده تهران ناله نارضایتی بلند بوده و با ید این ناله را بقریا تبدیل کرد. زمینیه از هر جهت آماده است. این شوخی نیست که از هفت سال پیش هر با ر خبر بیما ری خمینی منتشر شده مردم آنرا با ور کرده اند و تکذیب های مکرر در با ورداشت آن هیچ تاء ثیری نداشته است. نارضایتی قابل کنترل نیست و موج آن بدنه سپاه را هم آسیب میزند. قتل عام بسیاری از فرماندهان سپاه در کربلاي ۴، اعتراض بسیاری را برانگیخته است و فرادسیاه هم متوجه شده اند که غیر از ایمان و ایثار، برای جنگیدن دانش جنگ هم لازم است. آقای سلیمانی پیشخدمت سازمان آب کرمان نمی تواند فرماندهی لشکر ثار الله را بعهده بگیرد مگر اینکه تمام لشکر را بکشتن بدهد. بسیاری از افراد سپاه اکنون برای خودکشی در میدانهای جنگ دا و طلب نیستند و یک نوع روحیه یاس بر آنها حاکم شده است و تنها تبلیغات سهمگین حاکم است که آنها را تشویق بماندن میکند. فشار تبلیغاتی رژیم حیرت انگیز است و گاهی با مسائلی در این زمینه برخورد میکنم که این شبهه را در دل می افکنده که یک سازمان عظیم جهانی این تبلیغات را ادا راه می کند نه یک مشت آخوند بی سواد. بعنوان مثال، در ده فجر، از هر منطقه فرهنگی، گروهی از زبده ترین دانش آموزان دبستان و راهنمایی را به اردویی ۲۴ ساعته بردند. در این اردو تنها، برنا مؤتبلینی شهادت و مرگ و زندگی پس از مرگ گنجانیده شده بود. فیلمی نمایش دادند که چگونه یکنفر شهید میشود و بعد دوباره از قبر برمیخیزد. همراه با نمایش فیلم، معلمین امورتربیتی توضیحاتی میدادند که شستشوی مغزی را کامل کند. بگذریم که بچه های معصوم شب هنگام برای رفتن به دستشویی از ترس و روبروشدن با روح دچار چه مشکلاتی شدند و لی میتوانم بگویم که این تنها یک نمونه کوچک از نوع شستشوی مغزی است و با دما نا بشده که امروز اکثریت جوانان ایرانی بین ۱۵ تا ۱۸ سال در کارگاه شستشوی مغزی جمهوری اسلامی، شستشوده اند که اگر برای مدت با زهم افزوده شود آینه بسیار تیره و تاریک خواهد بود. بهر رو فشار دولتی

قبضه شهدا است و لشکر اسلام. هرگز چنین صدمه ای ندیده بود. تحمل این ضربات برای لشکرهای اروپائی هم مشکلست چه رسد به لشکری که سا زمانه ندهی ندارد. یک نوع آشفتگی خاص در سا زمانه های نظامی حاکم است. میداند که برخلاف جبهه میانی که فقط سپاه دارد ره میگرد، در سوار ما موریت حمله به ارتش وا گذار شد. یک نظامی که از سوار با زگشته بود میگفت، ما بمحض شروع حمله موفق شدیم ۹ تپه را تصرف کنیم. اما چون پشتیبانی نشدیم حمله و موفقیت ما عقیم ماند و با دادن تلفات عقب نشستیم. ظاهراً آشفتگی و سردرگمی نظامی مانع از گسیل پشتیبانی میشود. آخوندهای شرع فوراً خود را میرسانند و حدود ۲۰ نفر از افسران و درجه داران را با تمام بکارهای محاکمه صحرائی کرده و اعدام می کنند (این خبر در هیچ رساله ای پخش نشد). قصدم تشریح ضربات گجج کننده ای است که بر بیکیمر سا زمان نظامی وارد آمده است. نمونه دیگری عرض کنم. در چند روز اخیر بخشها مه ای به واحدهای ارتشی ابلاغ شده که هر کس دا و طلب عزیمت به جبهه ها ست خود را معرفی کند که ایسن بخشها مه مورد تمسخر نظامیان قرار گرفت که آقا، ارتش خود را در جنگ استایسن بخشها مه چه معنی میدهد. این نکته را توضیح دهم که هنوز ارتشی ها تا آنجا که در توان دارند خود را از جنگ کنار میکشند و نقشه ها و طرح های سپاه و آخوندها را به مسخره میگیرند. نارضایتی همراه با ویرانی و تعطیل ده شهر بزرگ ایران نظیر اصفهان، تبریز، همدان، رضائیه، قم، بروجرد، خرم آباد، کرمانشاه و هجوم آنان به تهران که سرگردانی و گرانای بیشتری را هم سبب شده، همراه با شکست عملی حملات اخیر و رقا و وحشتناک کشته شدگان اوج و شدت بیشتری گرفته است. نارضایتی بالقوه ای که زسه ما بعد از استقرار حکومت آخوندی بر جا معاریانی بخصوص شهرنشینان حادث شد حا لابه نارضایتی بالفعل تبدیل گردیده است. روزی که عراقی ها اول سید خندان را زدند شخصاً در همان ناحیه بودم. در لحظت اول در خیابان کوروش کبیر که موج انفجار شیشه ها را شکسته و هم را وحشت زده کرده بود من موجی از نفرین و لعنت بر آخوندها دیدم که برای خودم تا زگی داشت. البته نارضایتی آنها بشکل نفرین وضع بود. جملاتی از این قبیل که چرا شرطان را از سر مردم کم نمی کنید؟ تا کی میخواهید ما را به کشتن بدهید؟ الهی خدا ونسند شما را ذلیل کند، بیشتر بگوش میخورد تا شعرا های مثبت. تنها چاره نگرانی دیدم که با مدای بلند شعرا مرگ بر آخوند

این گزارش را در شرایطی می نویسم که تهران در زیر فشار و وحشت جنگ و بمبارانهای هوائی سخت ترین روزگار خود را می گذراند. بمباران تهران برخلاف بمباران شهرهای ایران که همه ویرانگر و ویران ساز است، هنوز جنبه نمادین و سمبولیک دارد. یک یاد و هوا پیمان بر فرا ز شهر وسیعی چون تهران حکم قطره ای در اقیانوس دارد. اما وحشت ناشی از یک نوع قرع کشی مرگ است که همه تهرانی ها را به هراس می اندازد. اندک اندک فرا رهای دسته جمعی مردم از تهران آغا زده است. تا چند روز پیش این سیل عظیم شهروندان با بود که بسوی اقیانوس تهران بحرکت در آمده بود اما حال فرار از تهران آغا زده است. روز سه شنبه ۲۱ بهمن که شایع شد عراقیها قصد دارند هجوم هوائی داشته باشند یک چهارم مردم تهران، شهر را به قصد شمال یا روستاهای اطراف ترک گفتند. مدارس بتدریج خالی از شاگرد میشوند و امروز، شنبه ۲۵ بهمن، دولت برای مقابله با آبروریزی ناشی از تعطیل مدارس بوسیله پدر و مادرها، خود به تعطیل مدارس ابتدائی و راهنمایی تا اطلاع ثانوی، بدون اعلام در روزنامه ها، اقدام کرده اما اطلاع دارم که دبیرستانها نیز خالی است و از هر کلاس پنجاه نفری فقط ۱۰ تا ۱۵ نفر در کلاسها بودند. در حقیقت کاری که عراقیها در هجوم هوائی بهتران کرده اند نه تخریب دوسه خانه و سا ختمان، بلکه تخریب روحیه عمومی بوده است و چون دولت با مردم روراست نیست و حتی حقایق مربوط به بمبارانها را نمیگوید، شایعات، زندگی را فلج کرده است و دولت بیش از هر زمان دیگر آسیب پذیر است. تخریب روحی، به مردم محدود نمیشود. برای اطلاعاتی که بدست آورده ام این تخریب روحی شامل حکام هم شده است. شکست کربلاي ۴ و توقف کربلاي ۵، رؤیای تشکیل امپراتوری اسلامی را در ذهن بسیاری از آخوندها که خود را در تصور بغداد تصور میکردند در هم ریخته است اما بخشی از حاکمیت تخریب روحی خود را به شکل جنون برای حمله بروزمیدهد. در جلسه ای که آقای خاموشی رئیس اتاق بازرگانی تشکیل داده بود این حالت روحی کاملاً نمایان بود. خاموشی اخیراً "پسرش را در جبهه از دست داده است و حال لابه جنون حمله و سرنگونی رژیم عراق مبتلا شده است. هیچ حرف حسابی را نمی پذیرد، با اینکه ظاهراً "مردی از حیطه اقتصاد است اصلاً نمی تواند نقش امومالی را در جنگ که آخرین مرحله و رشکستگی کشیده درک کند. این نسوع روحیه که بخصوص در میان مقاماتی که شهید داده اند بروز کرده است احتمالاً اگر دولت هم بخواد متیازی بدهد، از آن مانعیت خواهد کرد. در کربلاي ۴ و ۵، حکام و رهبران مملکت برای نخستین بار تلفات بسیار دادند. دیگر نمیتوان به آخوندها گفت شما تلفات نداده اید و مردم تلفات میدهند. حدود بیست اما مجمع و همیسن رقم نمایندگان مجلس شهید دادند و بر غم مرگ فرزندان گریستند، حدود ۱۰ نفر مانده لشکر، و حدود ۲۰ فرمانده تیپ و چند برآر از فرماندهان گردان کشته شدند. هنوز ستونهای ترحیم و تسلیت در

لرزش عرش عظیم

بقیه از صفحه ۱

بها نه این قرشمال با زی، یک فیلم تفریحی است که بمناسبت سالگرد حکمرانی آیت الله خمینی از تلویزیون آلمان پخش شد. آخوندها آن را توهین به عالم اسلام شمرده اند و ادعا می کنند پخش آن شریک این فیلم طنزآمیز عرش عظیم بلرزه درآمده و زلزله درکات افتاده است.

فیلم، مونتاژ ظریفی است از تصاویری آیت الله با یک صحنه سکی که با رویهم قرا گرفتن آنها، بنظر میرسد آیت الله مشغول دست مالی کردن زنها ی عربان و توزیع لباسهای زیر زنا نه ما بیست آنهاست.

بنظرمان آنکه در این فیلم طنزآمیز مورد اهانت قرا گرفته آیت الله خمینی نیست. توهین به زنها ی جوان و زیبای است که مظهر کمال آفرینش و صدق آیه " شریفه " فتبارک الله حسن الخالقین اند و تهیه کننده تلویزیون زلف آن بیچاره را بدست غول بی شاخ و دمی مثل آیت الله داده است!

کس نیاید بیای دیواری که بر آن صورت نگار کنند گرترا در بیشت با شدای دیگران دوزخا ختیا رکنند این ادعا که هرگاه کسی اسم آیت الله خمینی را بی وضو بزبان بیاورد توهین به عالم اسلام کرده معلوم نیست مبتنی بر چه منطقی است. چنین ادعایی بدان میماند که دولت مغولستان بگوید هرگاه کسی از چنگیزخان به نیکی نام نبرد به ملت مغول توهین کرده است یا دولت ایالتی بگوید بی حرمتی نسبت به کالیگولا و نرون توهین به ماست ایالتی است و دولت آلمان مدعی شود یا دآوری جنایات هیتلر، توهین به ملت آلمان محسوب میشود.

هرکس در تاریخ جایگاه خودش را دارد و قضاوت اکثریت را در باره او نمیتوان با جنجال و تهدید و قرشمال با زی وحادثه آفرینی تغییر داد.

چرا در فرانس و آلمان و آمریکا و ایالتی و جاهای دیگر کسی بفکر نمی افتد مها تما گاندی را به ریشخند بگیرد؟ بدلیل اینکه چنین کاری خریدار و روفرندارد. در همین نمایش تلویزیونی یا مشابه آن که چندی پیش در تلویزیون ایالتی تهیه شده بود اگر بجای خمینی، گاندی را مضحکه می کردند تا شاگران عبادی تلویزیون، خودشان بطور طبیعی واکنش منفی نشان می دادند و تهیه کنندگان تلویزیون متوجه میشدند که بدکاری کرده است و بی آنکه کسی از خواسته با شد عذر میخواست.

گاندی، دوگل، مارتین لوتر کینگ، آبراهام لینکلن، چنگیزخان، موسولینی، هیتلر، خمینی هر کدام در دیدگاه مردم جهان جایی را دارند که با یدداشته باشند.

آن ایامی که آیت الله خمینی در نوفل - لوشا توقا قامت داشت یا تازه به تهران با زگشته بود چنانچه مخالفان او میخواستند یکی از کمانالهای تلویزیونی را در اروپا به تهیه و پخش نمایشی مثل برنامۀ اخیر تلویزیون آلمان ترغیب کنند ممکن نبود موفق شوند، چرا؟ چون آن وقت دنیا در باره خمینی تصویری داشت.

مردم دنیا در آن زمان خیال میکردند همانطور که آندریویا نگ سفیر آمریکا در سا زمان ملل متحد اظهار داشت قدیسی ظهور کرده است و میخواست هدیه ملتی آزادی بدهد، میخواست هدملتی را سر بلند کند، میخواست هدکشوری را بطرف عدالت و امنیت ببرد.

این تصویر را خمینی بمحض آنکه در مقام حکمرانی قرا گرفت بدست خودش ضایع کرد و نشان داد که او نه قدیس است، نه آزادیخواه است و نه بشردوست. یک مستبد خودخواه و خونخوار است که جز ترس و بیچارگی و خشونت و انداختن مردم بجان

یکدیگر هیچ هنری و هیچ هدفی ندارد. وسایل ارتباط جمعی در کشورهای دموکراسی آئینه افکار عمومی بشمار می آیند. چیزی را که قاطبیه مردم بیسندند آنها تعریف می کنند، چیزی را که قاطبیه مردم بیسندند آنها تکذیب میکنند. کسی را که نزد اکثریت مردم محترم باشد آن ها محترم میشمارند، کسی را که مورد تنفر اکثریت باشد آنها تحقیر میکنند، چرا با ید مطبوعات و رادیو - تلویزیون ها از رژیم می که به ضدیت با حقوق بشر، ضدیت با آزادی فردی و اجتماعی، ضدیت با آثار تمدن و پیشرفت، ضدیت با افکار متحول و مترقی شناخته شده است به احترام یا دکنند و مردی را که پایدگذا را این رژیم و مسبب این همه تیره بختی است مقدس بشمرند؟ دولت ها نظریه منافی که از رابطه با جمهوری اسلامی حاصل میکنند ممکن است احساساتشان را نسبت به رژیم آیت الله مکتوم نگه دارند ولی اهل قلم، اهل هنر، اهل فکر، اهل فرهنگ نمیتوانند ساکت بنشینند و سلتا ق کردن یک هیئت را در دنیا ی قرن بیستم، با خونسردی نظاره کنند. لباس و عمامه یکسوی مصونیت نمی دهد و احترام برای کسی بر نمی انگیزد. معاویه هم نماز میخواند و روزه میگرفت و عمامه سرمی گذاشت و قبا می پوشید و عثوان امیرالمؤمنین داشت.

آینه چون نقش تو بنمود راست خود شکن، آئینه شکستن خطاست بعلاوه، آخوندها چه طور بخودشان اجازه می دادند خلیفه دوم و پدربزرگ پیغمبر را با همه اعتبار و اهمیت که در تاریخ اسلام دارد، در مراسم و قضاوت مستهجن شب نهم ربیع الاول به شدیدترین وجهی هجو کنند و پیکر او را به نجاست بیا لایند و آتش بزنند؟

همه میداند نیم که چنین مراسم به تشویق آخوندها و با مباهرت و مساعدت آنها در ایران برگذار میشود حتی هنوز هم کلام متروک شده است. تنها موردی که آخوندها دایره و تشنگی و لهو و لعب و رقص های وقیحا نه سرودن و خواندن اشعار زشت را جایز میداند نسته همین مراسم بسیار زشت موسوم به "عمرگشان" بود.

پس آخوند خلی می هم با این قبیل نمایش ها بیگانه نیست. حال چطور است که هجو پدربزرگ پیغمبر و خلیفه دوم و یکی از شخصیت های صدر اسلام بدان صورت رکیک توهین به اسلام نیست و عرش خدا بر آستان نمیلرزد و قلوب مسلمان مالامال از تاء لم نمیشود ولی شوخی کردن یک تلویزیون بیگانه با آیت الله خمینی توهین به اسلام است؟!

بی اعتنادهی به ارتش

بقیه از صفحه ۱

این گفتگو، سوای نکته های دیگر، حاوی این نکته، در خورتا، مل نیز هست که به هواپیما های خلیانان ایرانی، سوخت فقط به مقدار بسیار محدودی می دهند. این مسلما "جزو برنامۀ صرفه جویی نیست، زیرا از این حیث کمبودی وجود ندارد، بلکه تنها بدان سبب است که رژیم تهران به نیروهای مسلح، بویژه به نیروی هوایی، عمیقاً "بدبین است.

از ارتش گرفته تا شهرها نیوزا ندرم، همه جا آثار نمایشی این بدبینی به چشم می خورد. نه تنها روی ستاد نیروهای مسلح، بلکه فرماندهان نیروها و لشکرها، فرماندهان واحدهای ژاندارمری و رؤسای شهرها نی شهرستانها و روی ستاد کلانتریهای تهران، مدام عوض می شوند.

این بدبینی رژیم لبته بی علتی نیست. رژیم آخوندی اگر به نیروهای مسلح خوشبین بود جای شگفتی داشت. نیروهای مسلح نیز بیه توبه خود در حکومت آخوندی به دیده تحقیر می نگرند. و این منحصر به ارتش و شهرها نی و ژاندارمری نیست.

ترکیب اجتماعی ارتش ایران همواره به گونه ای بود که قشرهای گوناگون جامعه ایران در آن حضور داشتند. این حالت اکنون نه تنها برهم نخورده، بلکه همچنان خود را شایده قدرت بیشتر، نگا هداشته است.

هنگامی که تمامی جامعه، یا دست کم اکثریت قاطع آن، با رژیمی مخالف باشند، محال است بتوان نیروهای مسلح را از این مخالفت مصون نگا هداشت، خاصه آن که ترکیب اجتماعی این نیروهای مسلح، نمونه کوچکی از ترکیب اجتماعی تمامی جامعه باشد.

رژیم اسلامی کوشیده است نیروهای مسلح خاص خود را بوجود آورد و به وسیله این نیروهای مسلح، جامعه سرکش را کنترل کند، ولی اکنون کنترل خود این نیروهای مسلح برای رژیم مساعده مهمی بوجود آورده است. شبکه ای رسمی زاده های عقیدتی - سیاسی و شبکه ای غیر رسمی از خبرچینان و جاسوسان، بدین منظور بوجود آمده است که حرکات نیروهای مسلح زیر نظر رژیم قرار داده شده اند. نیز رژیم بر آن است تا گرداگرد ذهن و شعور فرماندهان نیروهای مسلح، دیوارهای ایمن تواءم با تعصب و اطاعت کورکورانه برافرازد تا این نیروها در برابر نارضایتی خیزان جامعه نفوذناپذیر بمانند.

با وجود همه این تدبیرها، موج نارضایتی خود را روز بروز بیشتر در

نیروهای مسلح، از ارتش گرفته تا شهرها نی و ژاندارمری و سیا و کمیته، نشان می دهد. دیگر کلیه وجدان این نیروها در دست ملامای حکومتگر نیست. و کارجون به اینجا کشیده است، دانش کلیدانبارهای اسلحه چندان سوردی برای ملاما نخواهد داشت.

ملاها و سرسپردگان آنها می توانند سوخت اندک به خلبانهای نیروی هوایی بدهند، می توانند فشنگ ها را داده اند بشمرند و به سربازان یا با سداداران بسیار رند، ولی نمی توانند همین مقدار اندک را از آنان دریغ دارند. و روزی که درگیر بودا رقیام ملی لوله تفنگ ها در یک چرخش صدو هشتاد درجه ای به روی کارگزاران رژیم برگردد، همین مقدار اندک برای گشودن قفل زرادخانه ها و انبارهای سوخت و مهمات کافی خواهد بود.

اعلامیه حقوق بشر

دفترها هنگی جامعه های دفاع از حقوق بشر در ایران، به تجدید چاپ و انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دست زده و با ارسال یک نسخه از نشریه مذکور، از ما خواسته است که نسبت به معرفی آن برای استفاده عموم اقدام کنیم.

قیمت: ۳ مارک
آدرس دفتر:

P.O. Box 752 · D-1000 Berlin 15
Telefon (030) 825 85 52

گورباچف به گام می رود

چهارشنبه ۱۱ مارس دو سال از انتخاب میخائیل گورباچف به سمت دبیرکل کمی حزب کمونیست شوروی گذشت. گورباچف در این مدت با شیوه‌ها و روش‌هایی که در رهبری شوروی تا زگی دارد با رها جهان را به شگفتی انداخت.

رهبر کمترین سومین سال زمانمداری خود را با امید موفقیت برای دستیابی به نخستین موافقتنامه در زمینه محدود ساختن سلاحهای هسته‌ای و با دورنمای نبردی طولانی و دشوار با مخالفان داخلی نوآوری سیاسی آغاز می‌کند.

گورباچف از زمان انتخابش به سمت دبیر کلی حزب کمونیست در ۱۱ مارس ۱۹۸۵، چند ساعتی پس از اعلام مرگ کنستانتین چرننکو رهبر پیشین شوروی که ۲۰ سال از وی بزرگ‌تر بود تا امروز، بعنوان مردی با حسن نیت جلوه‌گر شده است که می‌تواند است به شوروی رنگ قدرتی را ببخشد که شیفته صلح و تنش‌زدایی بین المللی است.

گورباچف که امروز ۵۶ سال دارد، پس از احراز سمت دبیرکلی به سرعت به تصفیه بی سابقه‌ای در زگانهای رهبری شوروی دست زد و با مصلحت‌گرایی ایدئولوژیک و سیاسی فراوان و با عزم جزم برای تغییرات اقتصادی که هنوز نمیتوان ابعاد آن را مشخص کرد میراث گذشته را زیر علامت سؤال قرار داد.

رهبر شوروی در دو سال زمانمداری خود، ابتکارهای عظیمی می‌چیند که به جهان غرب را تازه کرده زمین را برای ذوب کردن یخ‌های روابط دو بر قدرت مسا عد کرده است بدون آن که هنوز موفق شود در مورد محدود کردن زرادخانه‌های هسته‌ای به‌کوچکترین موافقتی با آمریکا دست

واحد نهضت

در هندوستان

به مناسبت سالروز ۲۲ بهمن آغاز فتنه‌ی خمینی، و احداث نهضت مقاومت ملی ایران در شهر دهلی نو واقع در هندوستان با نصب تما و پرشایا بورخیتیا رهبر نهضت مقاومت ملی ایران و نگارش شعارهایی مثل: ایران هرگز نخواهد مرد - درود بر خیتیا، رهبر ملت ایران - ملیون ایران متحد شوید - جنگ بی‌است - در مراکز و اماکن عمومی ویرفت و آندشیر، مراتب بی‌تنبانی ملیت ستم‌دیده‌ی ایران را از اهداف والای نهضت مقاومت ملی اعلام داشتند.

همچنین در شیرینکلا واقع در هندوستان، اعضای نهضت مقاومت ملی ایران، بنده طور دسته‌جمعی به شعار روسی و یوسترزی در سطح شهر اقدام کردند.

یا بد.

در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ گورباچف با برنامهمخلع سلاح خودمبنی برای زمین بردن کامل هرگونه سلاح هسته‌ای تا پایان قرن بیستم، جهان را در شگفتی فروبرد. وی از آن پس بطور منظم نخست پیشنهادهای بلندپروازانه‌ای ارائه می‌دهد و سپس به تدریج دامنه‌های محدود می‌کند اما بهر روی شوروی را قدرتی صلح طلب جلوه‌گر می‌سازد.

وی در ۲۸ فوریه گذشته پذیرفت که حساب موشک‌های میان بردی را که در اروپا مستقر شده اند و به "موشک‌های اروپا" معروفند از حساب سایر پرونده‌های خلع سلاح جدا کند و بدین ترتیب راه رسیدن به توافق را برای برچیدن این موشک‌ها گشود.

گورباچف در ماه فوریه خطاب به بیش از هزار روشنفکر - از جمله آندره سی باخاروف - که از ۸۰ کشور جهان در کمترین گردهم آمده بودند، تاء کید کرد که سیاست داخلی شوروی بیش از همیشه تعیین کننده سیاست خارجی آن کشور است و تاء کید کرد که دستگای رهبری شوروی برای آن که بتواند آزادی‌سازی فضای سیاسی را پیش ببرد و این روند را غیر قابل برگشت سازد، نیازمند "ملحی‌یادار" است. وی همچنین از سیاست تازه خود در باره حقوق بشر دفاع کرد.

آزاد سازی

رهبر شوروی ظاهراً " درمده آزادی‌تر کردن فضای سیاسی این کشور است. با بیان بخشیدن به تبعید داخلی ساخاروف در او خردسایمبر ۱۹۸۶ و آزادی‌کردن ۱۵۰ تن - بنا به تاء رسم - از نازیان شوروی در نیمه‌ماه فوریه گذشته و قول این که پرونده همین تعداد زندانی سیاسی بررسی شود، با زتاب این قصد گورباچف است. دموکرات منش شدن جامعه شوروی، با اصلاحات بسیار محتاطانه‌ای در مکانیسم‌های اقتصادی آغاز شده است. تا نونی، در عین حال بسیار محدود، اجازه می‌دهد مردم به طور خصوصی به پارهای مسافله بپردازند. بر اساس لایحه دیگری، مسئولان کارخانه‌ها از این پس "انتخاب" خواهند شد و این کارخانه‌ها میتوانند با کشورهای سرمایه‌داری، شرکت‌های مختلط تشکیل دهند. هنرمندان نیز فضای با زتری برای خلق آثار خود پیدا کرده‌اند.

مطبوعات در حالی که همچنان تحت کنترل حزب هستند و به دقت سانسور میشوند، تغییر چهره داده اند و میتوان نظریات بسیار انتقادی میزوا غلب متغیاتی را در آنها دید. مطبوعات با تشویق شخص گورباچف بیش از پیش وسعت اصلاحات کنونی و دامنه اشتباهات گذشته را منعکس میکنند و به بیان مسائلی می‌پردازند که تا دیروز جزو محرمانه به شمار می‌رفت، مانند جنایات استالین یا تشریفاتی

سخنان میتران

فرانسوا میتران، رئیس جمهوری فرانسه، روز سه‌شنبه ۱۰ مارس، در گفت‌وگو با خبرنگاران رسانه‌های گروهی، اظهار داشت که فرانسه قبول نکرد جنگ افزاریه جمهوری اسلامی بفرودشاید این نیز یکی از ریشه‌های دشواری‌هایی باشد که در زمینه‌های سیاسی را بطه با رژیم تهران و حل مسأله گروگان‌ها پیش آمده است.

میتران که در انجمن خبرنگاران دیپلماتیک فرانسه سخن می‌گفت افزود: فرانسه همچنان به تحویل اسلحه به عراق ادامه می‌دهد، اما دشمن جمهوری اسلامی هم نیست. فرانسه ده‌سال است که به عراق اسلحه می‌فروشد. میتران در عین حال تاء کید کرد که میزان تحویل اسلحه به عراق به دلیل مسائل مالی، افزایش نیافته است. میتران در این مصاحبه اظهار داشت من فقط یک بار پذیرفتم جنایتکاری را که با چهار تن دیگر در سوئد قتل‌عام شده‌اند. جان‌شایور بخیتیا نخست وزیر پیشین ایران شرکت کرده بود، عفو کنیم، ما از پذیرش پیشنهاد آزادی مرحله به مرحله گروگان‌ها خودداری کردیم و گفتیم وی را مورد عفو

بودن انتخابات در درون کمونیست. اما در زندگی مردم عادی شوروی ظرف این دو سال تغییر چشمگیری روی نداده است، با وجود بهبود اندک، کالاهای مصرفی ضروری هنوز بسیار با ثین تراز میزان مورد نیاز عمومی عرضه می‌شود. الکلیسم همچنان ضررهای عظیمی به اقتصاد شوروی می‌زند و سوء استفاده در شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی کم‌کم ادامه دارد.

به گفته "هنری کیسینجر" وزیر خارجه پیشین آمریکا که اخیراً از شوروی دیدار کرد، گورباچف ویرانش رونق دادی خارج العاده و حتی انقلابی را آغاز کرده اند که بدون تردید در میان گروهی‌هایی که هدف آن هستند مقامتی محسوس را برخواهد تانگیخت.

مسئولان شوروی اطمینان می‌دهند که این مقامت که گورباچف صریحاً " از آن یاد کرده است در سطح دفتر سیاسی حزب، یا کمیته مرکزی آن صورت نمی‌گیرد، بلکه در سطح با ثین تر حزب به چشم می‌خورد.

در زمینه خلع سلاح، گورباچف اخیراً " پیشنهاد کرد که "موشک‌های اروپا" یعنی موشک‌های میان برد ۱۰۰ اس - ۲۰ ساخت شوروی و موشک‌های "پرشینگ" و "کروز" ساخت آمریکا به طور همزمان برچیده شوند، چیزی که در گذشته شوروی به هیچ وجه زیر بار آن نمی‌رفت. گورباچف با این پیشنهاد که قبلاً از سوی جهان غرب عنوان شده بود، خود در جهان غرب به صورت پیام آور صلح نشان داد. پیشنهاد گورباچف ابتدا شور و شعف فراوانی در

جهان غرب برانگیخت ولی اندکی بعد مقامات شوروی و آمریکا سعی کردند احساسات عمومی را تسکین بخشند و از امیدهای بیجا جلوگیری کنند. پس از اعلام پیشنهاد گورباچف، کارشناسان آمریکای دیدار قریب الوقوع رهبران شوروی و آمریکا در بیاربا تا بستن آینه‌سختن گفتند.

پنج ماه پس از بی نتیجه ماندن مذاکرات رهبران دو بر قدرت در "ریک جاویک" ایسلند، رسیدن به توافق بر سر "موشک‌های اروپا" بیش از هر زمان دیگر ممکن بنظر می‌رسد.

در همین حال جرج شولتز وزیر امور خارجه اعلام کرد که روز ۱۳ آوریل برای سفری سه روزه عازم مسکو خواهد شد. در واقع اعلام سفر شولتز بود که حدس و گمان در مورد دیدار رهبران دو کشور را رواج داد.

رئیس جمهوری آمریکا و وزیر خارجه شد در هفته گذشته سعی کردند خوشبینی‌های زیادی را قدری کاهش دهند. شولتز گفت هدف از سفری تعیین تاریخی برای دیدار رهبران دو کشور نیست و ریگان بهبود روابط با مسکو را در گرو رعایت بیشتر حقوق بشر در شوروی و حل مسائل منطقه‌ای مانند افغانستان دانست.

با وجود این اظهارات، مواضع دو بر قدرت در عرض چند روز بی‌تیزی شگفت‌انگیز به یکدیگر نزدیک شد، به گفته ناظران امکان این که مسکو و واشینگتن بر سر جمع آوری موشک‌های اروپا به توافقی برسند هیچگاه تا این حد به عمل نزدیک نبوده است هر چند مشکلات و مسائلی پیچیده‌ای در این راه هنوز حل نشده باقی مانده است.

از بهشت استالین

تابهشت خمینی

بقیه از صفحه ۱

با اینهمه این گرهی نبود که نظریه پسران زان و میلان، خود را در گذردن آن در مانده نشان دهند. از منطق دیا لکتیک رابطه اضداد کمک گرفتند و جاره ای اندیشیدند. گفتند بهشت در سوسیالیسم، برخلاف بهشت ادیان بزرگ، مفهومی مطلق نیست، بلکه کاملاً بستگی به این دارد که دوزخ، به عنوان مفهوم متضاد آن، چگونه جاسازی باشد.

به عنوان مثال: درست است اینک بهشتی در مزارع اشتراکی، در مقایسه با استاندارد کشورها، پیشرفته و مرفه، بهشتی نیست، ولی اگر آن را با زندگی در اردوگاه های کار اجباری مقایسه کنیم، بیگان از بهشت هم بهتر است.

آن نویسنده شوروی نتیجه می گیرد که استالین اگر چه نتوانست برای زندگی در جامعه عادی الگوئی بهشتی بسازد، در عوض موفق شد زندگی در اردوگاه های کار اجباری را هر چه بیشتر به مفهوم دوزخ نزدیک گرداند، بدانسان که مردم، همین که از آن اردوگاهها دور بودند، خود را در بهشت احساس می کردند.

فشار دستگای سرکوبگر رژیم، خلاصه زندگی در حضور دائمی مرگ و نیستی که فلسفه شهادت رژیم پرده ختر را القای می کند، با هیچ معیاری زندگی بهشتی نیست، ولی زندگی در زندان اوین، زندگی در مالخ آباد، زندگی در زندان نهسا و سایر اردوگاه های که فقط سرعت در ساختن آنها می توانند با سرعت ویران شدن کشور رقابت کنند، به تمام معنای کلام یک زندگی دوزخی است. این زندگی دوزخی هر چه شدیدتر و مهیب تر و تلختر، کامیلان رژیم برای القاء بهشت جمهوری اسلامی کا ملتر. فقط در مقایسه با عذاب بزرگ در زندانها و سایر اردوگاه های رژیم، زندگی در شهرها و روستاها می تواند به عنوان زندگی بهشتی و نمود شود. این البته در هیچ کتابی از کتابهای نظری یا توصیفی منتشر شده از سوی تبلیغات رژیم تهران نیامده است، ولی یک رهنمود عملی در آنجا این است که یکوشید مردم را مدام در محرومیت و تنگنا نگاه دارید، تا به اندک چیزی خرسند گردند.

برای زندانیانی که در سیاهال محبوس است، یک لحظه روشنایی روز موهبت بزرگی است. اگر کسی حوصله کند و نامه ها را بخواند که مردم عادی برای روزنامه های معادله شده رژیم می فرستند، می بیند که جامعه امروز ایران از آنجا که بهشتی ترین بناهای روزانه را تشکیل می دهد، محروم نگارده شده است. یک قوطی شیر خشک برای یک مادر اروپائی اصلاً مسأله ای نیست که بدان فکر کنند. ولی فکر مادی ایرانی را بکنید که در آنسوی ترافیک شهری مثل تهران از این داروخانه به آن داروخانه می رود و همه جا اعلان مایوس کننده "هیچ نوع شیر خشک نداریم" را می بیند. برای او دستیابی به یک قوطی شیر خشک چه نعمت بزرگی است.

کارگزاران رژیم مدام به گوش مردم می خوانند که محرومیت را تحمل کنید، و تحمل محرومیت را به عنوان یک تقوا جا می زنند، بدین سبب که به محض پیدا شدن کمترین نعمتی خوشحالی کنند و دولت خدمتگزار را شکرگویند.

بهشت جمهوری اسلامی نه به سبب آنچه بر راستی بهشتی است، اهمیت می یابد، بلکه به اعتبار دوزخی که در رونق آن هیچ کوتاهی نمی شود.

شکار ریشوها

در بیروت

بقیه از صفحه ۵

شیخ عباس موسوی، یکی از روحانیان حزب الله، در همین مراسم که با حضور سه هزار حزب اللهی برگزار شد بهشت به سوریه حمله کرد و گفت: "ورود نیروهای سوری بر نامه ای سیاسی به منظور مبارزه

ایران گیت ادامه دارد

بقیه از صفحه ۴

تهران ریخته بود اما سرهنگ البیور نورث آن را به حساب خدا نقض سلاب نیکارا گوشه ریخت.

عدنان قاشقی افزود: اسرائیلی ها برای حفظ منافع "میانبروهای ایرانی" که از زیر میز دست در دست اسرائیل دانستند، ۲۰ درصد قیمت سلاح های تحویل شده به جمهوری اسلامی افزوده بودند. اما البیور نورث سودناشی از این افزایش قیمت را به جای تحویل به "میانبروهای" به حساب ضد انقلاب نیکارا گوشه واریز کرد.

خبرگزاری فرانسه در گزارشی از بغداد، بیرومون بیامدهای "ایران گیت" در عراق نوشت: ماجرای تحویل اسلحه به آمریکا به جمهوری اسلامی سبب شده است که سیاست آمریکا در چشم مقامات عراق و کشورهای خلیج فارس بشدت بی اعتبار شود.

"رابرت تورینلی" نماینده حزب دموکرات از ایالت نیوجرسی در ماه فوریه پس از بازگشت از بغداد در برابر کنفرانس اعلام کرد که بر اثر فروش موکت های آمریکائی "هاوک" به جمهوری اسلامی در ماه های اخیر ده درصد از نیروی هوائی عراق آسیب دیده است.

مقامات دیپلماتیک می افزاینند که دولت عراق با توجه و علاقه، ادعاهای ایالات متحده را در مورد این که خواهد گویید تا متحدانش را به قطع فروش اسلحه به جمهوری اسلامی وادارد، دنبال میکند. در این حال بنا بر یک نظر خواهی که نتایج آن به سبب ۱۰ مارس از تلویزیون "ا.بی.سی." آمریکا پخش شد، اکثریت مردم آمریکا از نظر مدیریت رونالسد

حق دارند از این امنیت برخوردار شوند. "در این میان ولید جمبلاط رهبر دروزیان لبنان نیز خواستار ورود نیروهای سوری به حومه جنوب بیروت شد.

رشید کرمانه، نخست وزیر لبنان نیز روز سه شنبه ۱۰ مارس خواستار شد که طرح امنیت سوری به تمام می لبنان از جمله حومه جنوبی بیروت گسترش یابد.

همچنین محمود فقیه مسئول سازماندهی جنبش املا در جنوب لبنان گفت طرح امنیت سوری باید به شهر "صیدا" در جنوب لبنان گسترش یابد.

در این حال از روز پنجشنبه ۵ مارس گفتگوهای در دمشق میان فرستادگان رئیس جمهوری لبنان و مسئولان سوری، برای تدوین یک "پیمان ملی" تازه برای لبنان آغاز شد.

قرارداد معروف به "پیمان ملی" در سال ۱۹۴۳ میلادی منعقد شد و دولت جدید لبنان بر اساس آن بوجود آمد.

رشید کرمانه نخست وزیر لبنان و طرفدار سوریه و همچنین کامیل شمعون یکی از

ریگان با راضی هستند. ۵۲ درصد از کسانی که توسط روزنامه واشنگتن پست و تلویزیون ا.بی.سی. مورد بررسی قرار گرفته بودند نسبت به ریگان نظر مسا عددا شدند و ۴۷ درصد با او موافق بودند.

خبرگزاری فرانسه روز چهارشنبه ۱۱ مارس گزارشی داد که دو کمیسیون کنگره آمریکا که ماه مور تحقیق درباره ماجرای ایران گیت هستند روز سه شنبه اعلام کردند که متفقا "از لاریس والی خواسته اند با اعطای "ممنوعیت محدود" به یک بازرگان آمریکائی ایرانی الاصل به نام آلبرت حکیم موافقت کنند و بی توانند اطلاعات مهمی را که در زمینه فروش اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی و انتقال سود حاصل از آن به حساب خدا نقض سلاب نیکارا گوشه در اختیار دارد، به آگاهی کمیسیون های تحقیق برسانند. به گفته منابع آگاه، آلبرت حکیم بازرگان پنج ساله ایرانی الاصل آرتیو شخصی کاملی از تمامی فعل و انفعالات ماجرای ایران گیت در اختیار دارد که مطالعه آن نکات مهمی را روشن خواهد کرد. وی ضمن "از نزدیکان ژنرال "سکور" است که با سرهنگ البیور نورث همکاری نزدیک داشته است.

در این حال نیویورک تا سیزده شماره دوازدهم مارس خود به نقل از مسئولان دولتی و کارشناسان آمریکائی مسائل ایران نوشت که با فاش شدن تدریجی جزئیات معامله سنجائی اسلحه در ازای گروگانها که به رسوائی ایران گیت منتهی شده است، آئینده روابط آمریکا و جمهوری اسلامی به تیرگی گراییده است. این چنین امید بهبود مناسبات و اینکتی - تهران، هر چه بیشتر بر باد می رود.

رهبران مسیحی لبنان که مخالف سوریه است هر دو در مصاحبه های که روز سه شنبه ۷ مارس منتشر شد اعلام کردند که بحران لبنان در آستانه پایان گرفتن است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، برای بازگرداندن صلح به منطقه، روز سه شنبه ۱۰ مارس تصمیم های توسط "کمیته امنیت" مرکب از وزیران لبنان و افسران سوری و لبنانی اتخاذ شد که قرار بود از روز چهارشنبه به موردا جبراً گذاشته شود. از جمله این تصمیمها آن است که با پیدا زهمه کسانی که از گذرگاه میان دویخش بیروت میگذرند عکسبرداری شود و نیز وراق شناسائی اتموبیلها با زرسی شود.

از جمله تصمیمات دیگر "کمیته انقلاب" بستن همه کافهها، بارها و کبابخانه های است که بطور غیر مجاز دوزخا به جنگ باز بوده اند. همچنین رفت و آمد متوسر بوده سیکلتها در طی شب ممنوع اعلام شده است.

بقیه از صفحه ۱

ما جرای گروگان گیری، چها رصد و چهل و چها روز طول کشید و درین مدت، هر چه آمدند و رفتند و پیاپی آمدند و دلالت و نصیحت کردند و حاشا بر شدندا متیا زها بدهند و گروگان ها را بگیرند حضرت اما ما اعتناء نکرد. درست فردای آن روزی که دموکراتها در انتخابات آمریکا با زنده شدن و دیگر نه میخواستند و نه میتوانستند در قبال آزادی گروگانها چیزی بدهند حضرت اما تشخیص داد و قتش رسیده است که گروگانها آزاد شوند. از اینرو شما پنده مخصوص خود را با بیایمی محرمات نه بخارج فرستاد و به آمریکا بیایمی علامت ها را بفرستید تا ما بشود، بیایمی بفرستید و ما میخواستیم و گروگانها را ببرید. آنها هم نشنیدند و حساب کردند و دیدند با هر رقم مقطوعی بخوانند ما را فیصله بدهند ممکن است مغبون شوند. چند میلیار رد دلار نقد گرفتند، چند میلیار رد دلار گرو برداشتند و قرادادی را در اجزیره بهامضای نمایندگان حضرت اما مرسانند که براساس آن، آمریکا عواین که بولهای ایران را پس بدهد بصورت طلبکاران را می ایران در آمد. اما ما چنین اما می است، کار بی موقع نمی کند. خیلی ها امروز به طعنه میگویند لباس بعد از عید بدر آویختن برقا مست مناره می خورد و ساختن پنا هگا، در حالی که هفت سال از شروع جنگ میگذرد حکم نوشا روی بعد از مرگ سهراب را دارد. ولی آنها اشتباه می کنند. آنها موقع شناسی حضرت اما را ندارند. اگر هفت سال پیش، در اوایل جنگ، جمهوری اسلامی به فکر احداث پنا هگاها می شری می افتاد کمتر کسی متوجه می شد که ساختن پنا هگا چه کار بزرگ و پراهمیتی است. میبایستی هفت سال بگذرد مردم، طعم بمباران های هوایی را بچشند، معنی "ترکش" و "واج" را بفهمند، مرگ و نابودی را به چشم خودشان ببینند تا بپذیرند که در هفتمین سال جنگ، هیچ هدیه ای برای شب عیدشان دلپذیرتر و

عیدی حضرت امام

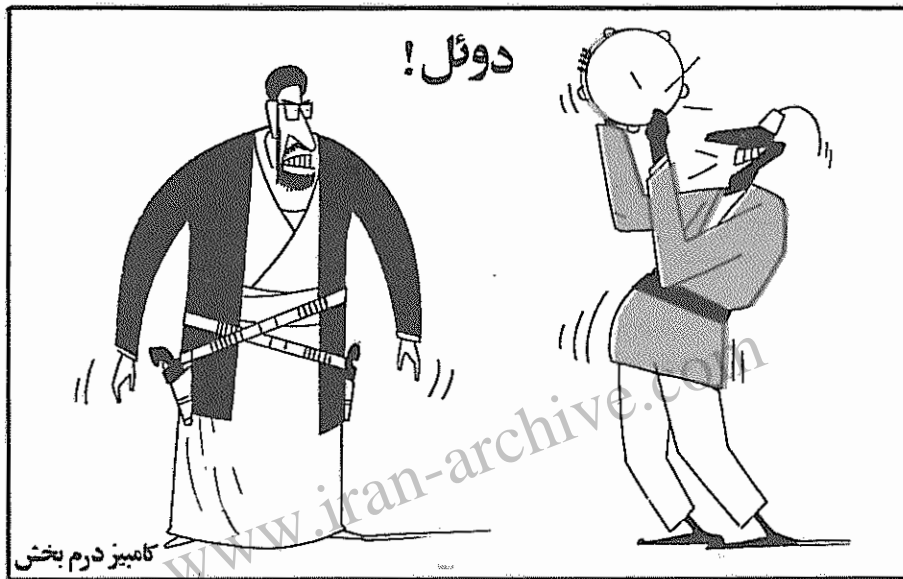
نمی گفتند و نمی نوشتند، اگر عیدی کارمندان دولت و سود ویژه کارگران در دهه دوم سفند ما به دستشان نمی رسید یا دولت تصمیم میگرفت یک روزا تعطیلات نوروزی بکا هدجه لم شنگه ای بسراهمی افتاد.

اینها همه، به برکت ظهور ما و انقلاب شکوهمند اسلامی و جنگ هفت ساله که حضرت اما ما آن را نعمت بزرگ و مانده آسمانی نامیده اند، امروز جزوا فسانهها بشمار می آید. بنا براین، حال برای مردم جنگ زده و محنت زده و مصیبت زده ایران، بالاترین عیدی، ساختن پنا هگاهاست. سوراخی که بتوانند در آن پنهان شوند تا جانشان در امان باشد. ما لشان، منالشان، خانه و کاشانهشان، شهرشان، اگر در زیر پناها بمب و موشک از بیین رفت چه اهمیت دارد؟ مگر مسلمانان صدر اسلام که حضرت اما میفرما بید برای رفع عطش مشک خالی را میکیدند و برای سد جوع دا نه خرما را دهان به دهان میگرددند و خانه های چند طبقه و حمام و بیخچال و اجاق گاز و ماشین رخت شویی داشتند؟

یکی دیگر از خصوصیات حضرت اما ما اینست که حرفش حرف است و وعده هایش نکول نمیشود. برخلاف آن عده از زعمای جمهوری اسلامی که مکرر گفته بودند اما سال پایان گرفتن جنگ و پیروزی لشکر اسلام است، حضرت اما هیچگاه، حتی به شاره، از خاتم جنگ نه در سال جاری و نه در سال آتی سخنی نگفته است. تا جایی که ما بیاد داریم و حاضریم شهادت بدهیم حضرت اما گفته بود اسلام یعنی جنگ و جنگ با ایدتا آخردنیا ادامه پیدا کند. اینست که ملاحظه میفرمائید سال پایانی می پذیرد ولی جنگ، پایانی یافتنی بنظر نمی رسد. تا زحما لادولست منتخب و موردا عتقا حضرت اما میخواست در شهرها پنا هگاها احداث کند و شهردار تهران گفته است در نظر دارم تهران را به یک شهر جنگی و مقاوم تبدیل کنیم تا مردم از بمباران نترسند!

کشور، اکنون مردم ایران بجای رسیده اند که در شب عید دیگر فیلسان یا هندوستان نمیکند. ما می و پرتقال و سکه طلا از دولت نمی خواهند. تنها آرزوی مردم اینست که در ایام عید بمب و موشک بر سرشان نیارد. هوا هر طور میخواست هدیا شود. غذا بود که نبود هم نبود. لباس شب عید، ما می شب عید، میوه شب عید، آجیل و شیرینی شب عید از ذهن مردم وزندگی اکثریت

با ارزش تر از سوراخی بنا مینا هگاها نیست. مدتی قبل، هنگامی که آثار مضیقها رزی و بحران اقتصادی و صنعتی بصورت کمبود مواد غذایی و ما بحتاج عمومی در ایران ظاهر شد، مسئولان امر در جلسه بی موضوع را با حضرت اما مدرمیان گذاشته و اظهار رنگرانی کرده بودند. حضرت اما فرمودند شما ازین جهات نگران نباشید. راه حل تمام این



کامبیز درم بخش

مشکلات جنگ است. جنگ با ایدبجائی برسد که هر کس صبح از خواب برخاست و دید زنده است آن را عمر دوباره بداند و بهمین اندازها کربا شد. وقتی مردم به آنجا رسیدند دیگر به خوراک و پوشاک اهمیت نمی دهند و رفا طلبی را فراموش می کنند! می بینید که حضرت اما ما اشتباه نکرده بود. بر اثر ندا و جنگ و کشیده شدن دامنه آن به شهرهای مرکزی و شمالی

مشکلات جنگ است. جنگ با ایدبجائی برسد که هر کس صبح از خواب برخاست و دید زنده است آن را عمر دوباره بداند و بهمین اندازها کربا شد. وقتی مردم به آنجا رسیدند دیگر به خوراک و پوشاک اهمیت نمی دهند و رفا طلبی را فراموش می کنند! می بینید که حضرت اما ما اشتباه نکرده بود. بر اثر ندا و جنگ و کشیده شدن دامنه آن به شهرهای مرکزی و شمالی

طرح کنترل ارتش

بنا زگی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به منظور کنترل ارتش طرح جدیدی ریخته اند و سرپرستی نیروهای مسلح را بین خود تقسیم کرده اند. به طوری که تعیین فرماندهان نیروها باید با ضمانت سرپرست هر یک از آنها انجام شود. سرپرست نیروها در مقام بل روح الله خمینی مسئول هستند. بر اساس این گزارش کنترل نیروی هوایی به سید علی خامنه ای سپرده شده است. نیروی دریایی تحت سرپرستی هاشمی رفسنجانی قرار دارد. کنترل

پنا هندیگی سیاسی کرد. نام گروهی از افسرانی که همزمان با رئیس ستاد نیروی هوایی گریختند به این شرح است: سرهنگ اسما عیال حسین طلایه - جانشین رئیس ستاد نیروی هوایی. سرگرد محمدواثقی - افسر پدافند هوایی و یکی از افسران موردا عتقا در رژیم. سرهنگ علی اکبر اسکندری - وابسته نظامی جمهوری اسلامی در هند. سرگرد حسن شهرکی - خلبان هوایمی اف - ۴. سرهنگ بیژن ریاحی - مدیر عملیات ترابری و یکی از افسران موردا عتقا در رژیم.

پنا هندیگی افسران

جمهوری اسلامی

به گزارش عنا صرملی سرهنگ عباس عابدین رئیس ستاد نیروی هوایی جمهوری اسلامی که برای خرید سلاح به لندن اعزام شده بود، از خدمت جمهوری اسلامی گریخت و از یکی از کشورهای جهان آزاد تقاضای پنا هندیگی سیاسی کرد.

بر اساس این گزارش حدود ۳۰ تن افسر دیگر که عده ای از آنها عضو هیئت خرید سلاح بودند، همزمان با سرهنگ عابدین گریختند.

مجله الوطن العربی چاپ لندن نیز گزارش گریختن سرهنگ عابدین را در شماره اخیر خود منتشر کرد.

سرهنگ عباس عابدین، قبلاً همسر و فرزند خود را به یکی از کشورهای جهان آزاد فرستاده بود، و خود را زلنسدن به خانواده خویش ملحق شد و تقاضای

ژاندارمری بر عهده موسوی اردبیلی است و سپاه پاسداران زیر نظر محسن رفیق دوست وزیر سپاه پاسداران اداره میشود. این علاوه بر انواع فیلترهای کنترلی است که از سوی آخوندها در ارتش ملی ایران ایجاد شده است. مانند نما بیندگان خمینی و منتظری در ارتش و دادره های عقیدتی - سیاسی و قسمت های اطلاعات و عملیات جمهوری اسلامی.

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
 شماره ۲۲۱۰۶۶۸

نشانی:
 QYAM IRAN
 C/O G.B.
 17, bd RASPAIL
 75007 PARIS
 FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد